

# بررسی تجلی گفتمان‌های زن و خانواده در برنامه‌های پنج‌گانه توسعه

کد موضوعی: ۲۷۰

شماره مسلسل: ۱۴۴۹۵

مهرماه ۱۳۹۴

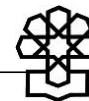
معاونت پژوهش‌های اجتماعی - فرهنگی

دفتر: مطالعات فرهنگی

## به نام خدا

### فهرست مطالب

چکیده.....	۱
مقدمه.....	۳
۱. گفتمان حفظ قداست و تحکیم نهاد خانواده.....	۶
۲. گفتمان مشارکت اجتماعی - اقتصادی زنان.....	۱۴
۳. گفتمان استیفای حقوق زنان.....	۳۱
جمع بندی.....	۳۶
منابع و مآخذ.....	۴۲



## بررسی تجلی گفتمان‌های زن و خانواده در برنامه‌های پنج‌گانه توسعه

### چکیده

تحلیل اسناد بالادستی نظام از جمله قانون اساسی، سند چشم‌انداز و سیاست‌های کلی نظام نشان می‌دهد گفتمان انقلاب اسلامی در حوزه زنان و خانواده مبتنی بر سه محور «حفظ قداست و تحکیم نهاد خانواده»، «مشارکت اجتماعی - اقتصادی زنان» و «استیفای حقوق زنان» است.

در این گزارش تلاش شد جایگاه و میزان توجه به هریک از این سه گفتمان در برنامه‌های پنج‌گانه توسعه مورد بررسی قرار گیرد.

- نتیجه بررسی‌ها نشان می‌دهد این سه گفتمان به‌طور همزمان و به‌عنوان عناصری منفک از یکدیگر در برنامه‌های توسعه مطرح شده و از تأثیری که هریک از آنها بر اجرای دیگری می‌گذارد، غفلت ورزیده شده است. آنچه لازم است در تدوین برنامه‌های توسعه در نظر قرار گیرد لزوم توجه به هماهنگی گفتمان‌های یاد شده و اثرات هریک بر دیگری است.

- بررسی احکام زیرمجموعه گفتمان «حفظ قداست و تحکیم نهاد خانواده» در برنامه‌های توسعه نشان می‌دهد تمرکز این احکام عمدتاً بر موضوع تسهیل ازدواج جوانان بوده و به سایر شاخص‌های این موضوع از جمله لزوم برنامه‌ریزی در راستای استحکام نهاد خانواده و پیشگیری از طلاق پرداخته نشده است.

علاوه بر این فقدان مفهومی عملیاتی از گفتمان تحکیم نهاد خانواده و شاخص‌های آن در برنامه‌های توسعه از دیگر چالش‌های پیش‌رو است. به عبارت دیگر مشخص نیست برنامه‌نویسان چه مفهومی از تحکیم خانواده را مدنظر داشته‌اند و وقتی از آن سخن می‌گویند از چه شاخص‌هایی صحبت به میان می‌آید.

- درخصوص گفتمان مشارکت اجتماعی و اقتصادی زنان نیز که به پشتوانه اسناد بالادستی در برنامه‌های توسعه تجلی یافته، با توجه به فقدان شاخص‌سازی در این راستا و همچنین فقدان رویکرد و سیاستی مشخص درخصوص کمیّت و کیفیت این مشارکت، شاهد رویکرد حداقلی مشارکتی در برخی از برنامه‌های توسعه و رویکرد حداکثری در برخی از برنامه‌های توسعه و مشخص نبودن تکلیف دولت‌ها درخصوص این گفتمان هستیم.

واقعیت این است که با توجه به اهمیت و اولویت نهاد خانواده در نظام عرفی و تقنینی جمهوری اسلامی ایران انتظار آن است که سیاست‌های تشویق و تسهیل مشارکت اقتصادی و اجتماعی زنان باید به‌گونه‌ای طراحی شود که به موضوع تحکیم نهاد خانواده آسیبی وارد نکند. علاوه بر این لازمه مشارکت

زنان در ساختارهای اقتصادی و اجتماعی طراحی سیاست‌های حمایتی گسترده و پیچیده‌ای است که علاوه بر کاهش فشار دوگانه کار بیرون از منزل به مرور در بلندمدت سبب حذف زنان از بازار کار نگردد. آنچه انتظار می‌رفت در برنامه‌های توسعه ذیل گفتمان مشارکت اقتصادی زنان مورد توجه قرار گیرد نه تأکید صرف بر کمیت و برابری فرصت‌های اشتغال زنان و مردان، بلکه توجه به الزامات اشتغال زنان و هماهنگ نمودن آن با گفتمان تحکیم نهاد خانواده است.

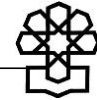
به نظر می‌رسد یکی از مهمترین پیش‌شرط‌ها در تحقق گفتمان مشارکت اقتصادی و اجتماعی زنان طراحی الگوی این مشارکت با توجه به پشتوانه عرفی و مذهبی جمهوری اسلامی ایران و همچنین طراحی شاخص‌های مرتبط با آن بدون توجه به شاخص‌های توسعه غربی است.

علاوه بر این مقایسه بین شاخص‌های تحقق مشارکت اقتصادی زنان با مشارکت اجتماعی نشان از تحقق موفقیت‌آمیزتر گفتمان مشارکت اجتماعی دارد. آمارها نشان می‌دهد در طول سال‌های اجرای برنامه، زنان در حوزه‌های آموزش و پرورش و تربیت بدنی به موفقیت‌های قابل توجهی دست یافته‌اند و علت این امر را شاید باید در کمتر چالش‌زا بودن گفتمان مشارکت اجتماعی زنان و عدم وجود گفتمان‌های رقیب برای آن در سطح جامعه دانست.

- در خصوص گفتمان «استیفای حقوق شرعی و قانونی زنان» در برنامه‌های توسعه که عمدتاً حول دو محور رفع خشونت از زنان و تأمین امنیت آنها و تسهیل امور حقوقی زنان تجلی یافته است نیز باید گفت برداشت‌های متعدد از مفهوم «استیفای حقوق شرعی و قانونی زنان» سبب شده مفهوم عملیاتی از این موضوع در قوانین برنامه توسعه تجلی نیابد؛ امری که نشان می‌دهد قانونگذار تصور روشنی از این مفهوم در ذهن ندارد.

جهت حل چالش‌های ذکر شده انتظار می‌رود احکام برنامه ششم توسعه در حوزه زنان و خانواده با توجه به موارد زیر تنظیم گردد:

- محوریت و اولویت گفتمان تحکیم خانواده و ارائه تعریفی عملیاتی از آن که علاوه بر تسهیل ازدواج جوانان تقویت نظام‌های مشاوره و پیشگیری از طلاق را نیز در برگیرد.
- طراحی الگوی فعالیت اقتصادی زنان با توجه به اقتضائات زنانه و مسئولیت‌های دوگانه زنان.
- برنامه‌ریزی ویژه برای زنان خانه‌دار و تکریم موقعیت نقشی آنان.
- برنامه‌ریزی در راستای توانمندسازی زنان سرپرست خانوار و ایجاد فرصت‌های اشتغال برای آنها.
- تقویت مطالعات و تحقیقات در خصوص شناسایی واقعی مسائل پیش‌روی خانواده ایرانی.
- تقویت مطالعات و تحقیقات در خصوص شناسایی واقعی مسائل پیش‌روی زنان در جامعه ایران.
- راه‌اندازی بانک‌های اطلاعاتی منسجم در خصوص وضعیت زنان و خانواده در حوزه‌های مختلف.
- لزوم طراحی شاخص‌های قوام‌دهنده هر یک از گفتمان‌ها و برنامه‌ریزی متناظر با آن.



بررسی اسناد بالادستی نظام از جمله قانون اساسی، سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ و سیاست‌های کلی ابلاغی مقام معظم رهبری نشان می‌دهد گفتمان انقلاب اسلامی در حوزه زن و خانواده مبتنی بر اهمیت جایگاه خانواده به‌عنوان «واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان» و ارائه تصویری از زن انقلابی است که علاوه بر وظیفه خطیر و پراج مادری،<sup>۱</sup> دارای حقوق و مسئولیت اجتماعی و اقتصادی بوده و بدین ترتیب ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت و احیای حقوق مادی و معنوی او<sup>۲</sup> حائز اهمیت است. اگرچه مفهوم مشارکت زنان در گفتمان انقلاب اسلامی با مفهوم مشارکت زنان در عصر پهلوی و همچنین شاخص‌های توسعه غربی دارای مبانی کاملاً متمایزی است<sup>۳</sup> و آنچه ایجادکننده این تمایز است، پیوند مفهوم مشارکت زنان با پرهیز از نگاه ابزاری به زن ذیل مفهوم عفت عمومی و رعایت حجاب اسلامی و همچنین عدم تغایر آن با نقش‌های همسری و مادری است. بررسی بیانات امام خمینی (ره) در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی نشان می‌دهد ایشان برخلاف برخی اندیشمندان که نقش زن را تنها همسری و مادری می‌دانستند با ارائه تصویری نو از زن انقلابی، ضمن تأکید بر ارزش، اهمیت و کرامت نقش همسری و مادری، بر نقش زنان به‌عنوان نقشی انسان‌ساز تأکید ورزیده و مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان را نه امری حاشیه‌ای و فرعی، بلکه فرهنگ‌ساز قلمداد نموده‌اند.<sup>۴</sup>

بدین ترتیب با توجه به اسناد بالادستی، گفتمان انقلاب اسلامی در حوزه زنان و خانواده تلفیقی از سه گفتمان است:

۱. گفتمان حفظ قداست و تحکیم نهاد خانواده،
۲. گفتمان مشارکت اجتماعی - اقتصادی زنان،
۳. گفتمان استیفای حقوق زنان.

بررسی احکام و اسناد بالادستی نشان می‌دهد این سه گفتمان به‌طور همزمان و توأمان با هم مطرح هستند و به‌راحتی نمی‌توان از اولویت و تقدم یکی بر دیگری سخن گفت. با وجود این به‌نظر می‌رسد

۱. برگرفته از مقدمه قانون اساسی.

۲. اصل بیست‌ویکم قانون اساسی.

۳. نرگس نیک‌خواه قمصری و سهیلا صادقی فسایی، زنان فراتر از نقش سنتی: بررسی جایگاه زن در کلام امام خمینی (ره)، نشریه زن در فرهنگ و هنر، دوره ۴، ش ۲، تابستان ۱۳۹۱، ص ۱۸.

۴. امام خمینی (ره): زنان از نظر اسلام نقش حساسی در بنای جامعه اسلامی دارند و اسلام زن را تا حدی ارتقا می‌دهد که او بتواند مقام انسانی خود را در جامعه باز یابد و از حد در شیء بودن بیرون بیاید و متناسب با چنین رشدی می‌تواند در ساختمان حکومت اسلامی مسئولیت به عهده بگیرد (صحیفه نور، جلد ۳: ۱۰۱).

زن باید در مقدرات اساسی مملکت دخالت کند. شما همان‌گونه که در نهضت‌ها نقش اساسی داشته‌اید و سهیم بوده‌اید اکنون باید در پیروزی سهیم باشید و فراموش نکنید که هر موقع که اقتضا کند نهضت کنید و قیام کنید و مملکت از خود شماست ان‌شاء... شما باید مملکت را بسازید (صحیفه نور، جلد ۱۲: ۷۳).

حالا طوری شده است که خانم‌ها همدوش با سایر برادران در تحصیل علم و عرفان و فلسفه و تمام شعب علم و ان‌شاء... صنعت فعالیت می‌کنند (صحیفه نور، جلد ۱۸، ۲۶۳).

گفتمان «تحکیم نهاد خانواده» شکل مبنایی تری در مقایسه با سایر محورها دارد و به عبارتی دال مرکزی این گفتمان محسوب می‌گردد. تا آنجا که براساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران «از آنجا که خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی برپایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد»<sup>۱</sup>. علاوه بر این در سیاست‌های کلی ابلاغی مقام معظم رهبری در رابطه با برنامه‌های توسعه، موضوع «تحکیم نهاد خانواده و تقویت جایگاه زن در آن» در اولویت نسبت به حضور اجتماعی زنان قرار دارد.<sup>۲</sup> آبدین ترتیب تلاش مجموعه سیاستگذاران مبتنی بر ایجاد هماهنگی بین سه گفتمان با محوریت گفتمان تحکیم نهاد خانواده باید قرار گیرد.

حال این سؤال مطرح است که در برنامه‌های توسعه، به‌عنوان اسنادی که جهت‌گیری کلی هدف‌ها و سیاست‌های هر بخش را طی پنج سال تعیین خواهد کرد، گفتمان‌های یاد شده به چه میزان و مبتنی بر چه نشانه‌ها و مصداق‌هایی دنبال شده است؟ و تا چه میزان این هماهنگی مورد لحاظ واقع شده است؟ لازم بررسی این موضوع، تحلیل اسنادی برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی انقلاب اسلامی از ابتدای شکل‌گیری آن تاکنون و استخراج مواد و برنامه‌های مرتبط با این موضوعات و تطبیق آن با گفتمان‌های ذکر شده می‌باشد.

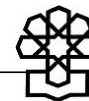
آنچه در این گزارش مورد بررسی قرار می‌گیرد سهم هر یک از گفتمان‌های یاد شده در برنامه‌های توسعه و نحوه برنامه‌ریزی اجرایی در ارتباط با تجلی هر یک از این گفتمان‌هاست. در انتهای هر بخش نیز تلاش شده ضمن بررسی آماری شاخص‌های ذیل این موضوعات، وضعیت و جایگاه این گفتمان‌ها در فضای عمومی جامعه نشان داده شود. علاوه بر این چالش‌هایی که متوجه این نوع برنامه‌ریزی است نیز نشان داده است.<sup>۳</sup>

هرچند توصیف وضعیت زنان و خانواده در برخی از حوزه‌ها از جمله آسیب‌های اجتماعی پیش‌روی حوزه زنان و میزان تحقق حقوق آنها نیازمند ارائه آمار قابل اتکا است که در حال حاضر به‌علت فقدان سیستم پکیارچه و نهادی مسئول جهت جمع‌آوری تمامی این آمارها به‌صورت منسجم، توصیف وضعیت موجود و به دنبال آن سیاستگذاری و برنامه‌ریزی را با دشواری همراه ساخته است. علاوه بر این گفتمان‌های یاد شده با پیچیدگی‌هایی همراه است که به‌سادگی با ارائه اطلاعات آماری نمی‌توان در خصوص آنها قضاوت نمود. با این حال با توجه به ضعف دولت‌های مختلف در جمهوری اسلامی ایران

۱. اصل دهم قانون اساسی.

۲. سیاست کلی ابلاغی مقام معظم رهبری در برنامه‌های توسعه: «تقویت نهاد خانواده و جایگاه زن در آن و در صحنه‌های اجتماعی و استیفای حقوق شرعی و قانونی بانوان در همه عرصه‌ها و توجه ویژه به نقش سازنده آنان».

۳. لازم به ذکر است در این گزارش تمامی احکام برنامه‌های توسعه در حوزه زنان و خانواده مورد توجه قرار نگرفته، بلکه احکام برنامه‌های توسعه متناظر با گفتمان‌های یاد شده استخراج گشته است.



از ابتدا تاکنون در ارائه گزارش عملکرد برنامه‌های توسعه، به نظر می‌رسد رجوع به برخی اطلاعات آماری در دسترس منبع مناسب‌تری در خصوص قضاوت از جاری بودن گفتمان‌های حاکم بر برنامه توسعه در حوزه زنان و خانواده در جامعه باشد.

### روش مطالعه

روشی که در این گزارش جهت استخراج اطلاعات مورد استفاده قرار گرفته است از چشم‌انداز نظری لاکلاموف در تحلیل گفتمان الهام گرفته شده است. «نظریه گفتمان از ما می‌خواهد که بر ظرفیت‌های یک بیان خاص به‌منزله مفصل‌بندی متمرکز شویم: این بیان چه معانی را با قرار دادن عناصری در یک رابطه متقابل با یکدیگر تثبیت و چه معناهای بالقوه‌ای را طرد می‌کند؟ مفصل‌بندی‌ها می‌توانند از طریق طرح سؤالات زیر در ارتباط با گفتمان‌ها مورد بررسی قرار گیرند. یک مفصل‌بندی خاص به چه گفتمان یا گفتمان‌هایی متکی است و چه گفتمان یا گفتمان‌هایی را باز تولید می‌کند؟ یا به جای سؤال قبلی می‌توان پرسید که آیا یک مفصل‌بندی خاص با بازتعریف برخی از دال‌های یک گفتمان آن را به چالش می‌کشد یا تغییر می‌دهد؟ نقطه آغازین پاسخ به این پرسش‌ها شناسایی دال مرکزی است: اینکه کدام دال‌ها جایگاه ممتازی دارند و چگونه در رابطه با دیگر دال‌های گفتمان تعریف شده‌اند؟ (Jorgesen, Phillips, 2003, 30).

### مراحل انجام کار

در این گزارش ابتدا مواد مرتبط با حوزه زنان و خانواده در اسناد بالادستی نظام یعنی قانون اساسی، سند چشم‌انداز و سیاست‌های کلان برنامه‌های توسعه استخراج گشته و سپس تلاش شده مفاهیم و گفتمان‌های حاکم بر آنها براساس نشانه‌های موجود در این اسناد شناسایی گردد.<sup>۱</sup> این گفتمان‌ها همان گونه که پیشتر نیز مورد اشاره قرار گرفت عبارتند از: حفظ قداست و تحکیم نهاد خانواده، مشارکت اجتماعی اقتصادی زنان، استیفای حقوق زنان. سپس تلاش شده نشانه‌ها و عناصری که در مفصل‌بندی این گفتمان‌ها در فضای عمومی جامعه مطرح می‌شود استخراج شود. به‌عنوان مثال همان طور که در بخش‌های بعد نیز توضیح داده خواهد شد عناصری چون آموزش برابر، اشتغال برابر، حضور در مناصب سیاسی و... مفصل‌بندی گفتمان حضور اجتماعی زنان (مشارکت اجتماعی - اقتصادی زنان) را شکل می‌دهند. این نشانه‌ها و دال‌ها در گفتارهایی که از سوی گروه‌های مدافع و پیش‌برنده این گفتمان در فضای عمومی جامعه طرح می‌شود قابل شناسایی و بازیابی هستند. عناصری که در هر گفتمان در این تحقیق مورد استفاده قرار گرفته است نیز با توجه به همین گفتارهای عمومی استنباط شده است.<sup>۲</sup>

۱. علاوه بر اسناد یاد شده مجموعه سیاست‌های کلی در حوزه‌های مختلف از جمله جمعیت، سلامت، اقتصاد مقاومتی و... وجود دارد که این سیاست‌ها به علت فرعی بودن نسبت به موضوع دیده نشده است.  
۲. جهت اطلاع بیشتر از این موضوع می‌توان به مجموعه تحقیقاتی که خصوص سنجش مشارکت اجتماعی - اقتصادی زنان در جامعه صورت گرفته و شاخص‌های ذیل آن رجوع نمود.

با این حال این تحقیق به دنبال انجام تحلیل گفتمان به معنای متعارف آن نیست بلکه به جای تحلیل گفتمان‌ها و نشان دادن ساختار مفصل‌بندی نشانه‌ها در آن و مشخص کردن زنجیره‌هایی هم‌ارزی و دال‌های مرکزی و شناور گفتمان‌ها، صرفاً از طریق تحلیل اسناد برنامه‌های توسعه، گفتمان‌های کلان را شناسایی کرده و سپس نحوه تجلی هر یک از گفتمان‌ها در متن اسناد برنامه‌های اول تا پنجم بررسی نموده و در نهایت وضعیت جاری این گفتمان‌ها در جامعه نشان داده است.

### ۱. گفتمان حفظ قداست و تحکیم نهاد خانواده

نگاهی به اسناد بالادستی نظام از جمله قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران،<sup>۱</sup> سند چشم‌انداز،<sup>۲</sup> سیاست‌های کلی برنامه توسعه<sup>۳</sup> نشان می‌دهد دال مرکزی و محور اساسی گفتمان انقلاب اسلامی، قداست نهاد خانواده و تلاش برای حفظ و تحکیم آن است. در این گفتمان «خانواده واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان است و توافق عقیدتی و آرمانی در تشکیل خانواده که زمینه‌ساز اصلی حرکت تکاملی و رشدیابنده انسان است اصل اساسی بوده و فراهم کردن امکانات جهت نیل به این مقصود از وظایف حکومت اسلامی است».<sup>۴</sup> با توجه به ماهیت بالادستی اسناد یاد شده، توجه به این مفهوم و برنامه‌ریزی در راستای فراهم کردن امکانات شکل‌گیری و تحکیم آن، باید در تمامی برنامه‌های توسعه به‌عنوان اسنادی که مسیر اقدامات اجرایی کشور را طی ۵ سال مشخص می‌کند، تجلی یابد.

حال باید دید گفتمان «قداست نهاد خانواده» چگونه در برنامه توسعه تجلی یافته است؟ به عبارت دیگر گفتمان «قداست نهاد خانواده» ذیل چه مقولات و نشانه‌هایی در برنامه‌های توسعه به‌عنوان یکی از مهمترین اسناد برنامه‌ریزی در کشور قابل پیگیری است؟

بدین منظور تلاش شده تمامی مواد و احکامی که از برنامه اول توسعه تا پنجم توسعه به حوزه خانواده مرتبط بوده استخراج گردد و موارد مرتبط احصا شود. بررسی برنامه توسعه نشان می‌دهد موضوع قداست نهاد خانواده ذیل چند کلیدواژه دنبال شده است: قداست نهاد خانواده، ترغیب به ازدواج و تشکیل خانواده، تقویت نهاد خانواده، تقویت بنیان خانواده، تحکیم نهاد خانواده، تسهیل ازدواج جوانان از جمله این موارد است. در جدول زیر بندهای مرتبط با این موضوع قابل ملاحظه است.

۱. اصل دهم: از آنجا که خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی برپایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد.  
 ۲. جامعه ایرانی در افق این چشم‌انداز چنین ویژگی‌هایی خواهد داشت: برخوردار از سلامت، رفاه، امنیت غذایی، تأمین اجتماعی، فرصت‌های برابر، توزیع مناسب درآمد، نهاد مستحکم خانواده به دور از فقر، فساد، تبعیض و بهره‌مند از محیط زیست مطلوب.  
 ۳. تقویت نهاد خانواده و جایگاه زن در آن و در صحنه‌های اجتماعی و استیفای حقوق شرعی و قانونی بانوان در همه عرصه‌ها و توجه ویژه به نقش سازنده آنان.  
 ۴. برگرفته از مقدمه قانون اساسی.



## جدول ۱. بررسی احکام برنامه‌ای مرتبط با گفتمان قداست نهاد خانواده در برنامه‌های پنج‌گانه توسعه

برنامه اول ۱۳۶۸-۱۳۷۲	برنامه دوم ۱۳۷۴-۱۳۷۸	برنامه سوم ۱۳۷۹-۱۳۸۳	برنامه چهارم ۱۳۸۴-۱۳۸۸	برنامه پنجم ۱۳۹۰-۱۳۹۴
<p>۳-۴. پرورش روحیه احترام به قانون، نظم‌پذیری، تعاون و کار گروهی، .... حفظ قداست خانواده و تقویت روحیه مسئولیت‌پذیری .....</p>	<p>۱۰. پرورش روحیه همبستگی ملی و احترام به قانون .... <b>حفظ قداست خانواده</b> و تقویت روحیه مسئولیت‌پذیری.....</p> <p>۱۴. <b>ترغیب نسبت به ازدواج</b> و تشکیل خانواده با تسهیل شرایط، تعدیل توقعات، کاهش تشریفات و آگاهی نسبت به روش‌ها و معیارهای شرعی در انتخاب همسر و حقوق خانواده.</p> <p>۱۶-۳. توجه لازم به نیروهای متعهد و فداکار در زمینه‌های آموزشی، فنی، اشتغال و تأمین ابزار کار، زمین، مسکن و امکانات لازم برای <b>تشکیل خانواده تبصره «۶۰»</b></p> <p>و) ارائه تسهیلات بانکی و وام مناسب و قرض‌الحسنه جهت فراهم نمودن زمینه <b>ازدواج جوانان</b></p>	<p><b>ماده (۱۵۸)</b>- مرکز امور مشارکت زنان ریاست‌جمهوری موظف است در جهت زمینه‌سازی برای ایفای نقش مناسب زنان در توسعه کشور و <b>تقویت نهاد خانواده</b>، ضمن انجام مطالعات لازم با همکاری دستگاه‌های اجرایی ذیربط اقدامات ذیل را به عمل آورد:</p> <p>ذیل بندها اشاره‌ای به موضوع <b>تحکیم خانواده</b> نشده است.</p>	<p><b>ماده (۹۷)</b> - دولت مکلف است نسبت به تهیه طرح جامع کنترل کاهش آسیب‌های اجتماعی، مشتمل بر محورهای ذیل اقدام نماید:</p> <p>الف) ارتقای سطح بهداشت روان، گسترش خدمات مددکاری اجتماعی، <b>تقویت بنیان خانواده</b> و .....</p> <p><b>ماده (۱۱۱)</b> - دولت موظف است، با هدف تقویت نقش زنان در جامعه و توسعه فرصت‌ها و گسترش سطح مشارکت آنها در کشور، اقدام‌های ذیل را معمول دارد:</p> <p>ب) تنظیم و ارائه لوایح، مربوط به <b>تحکیم نهاد خانواده</b> جهت تصویب در مراجع ذی‌صلاح.</p>	<p><b>ماده (۴۳)</b> - به‌منظور ساماندهی و اعتباربخشی مراکز مشاوره متناسب با فرهنگ اسلامی - ایرانی و با تأکید بر <b>تسهیل ازدواج جوانان و تحکیم بنیان خانواده</b>، تأسیس مراکز و ارائه هرگونه خدمات مشاوره‌ای روان‌شناختی - اجتماعی نیازمند اخذ مجوز براساس آیین‌نامه مصوب هیئت وزیران است.</p> <p><b>ماده (۲۳۰)</b> - دولت ..... با تدوین و تصویب «برنامه جامع توسعه امور زنان و خانواده» مشتمل بر محورهای <b>تحکیم بنیان خانواده</b>، بازنگری قوانین و مقررات مربوطه .... اقدام قانونی نماید.</p> <p><b>ماده (۱۷۶)</b> - وزارت مسکن و شهرسازی (سازمان ملی زمین و مسکن) مکلف است به‌منظور تأمین منابع مالی لازم جهت .... خرید اراضی مورد نیاز اجرای طرح‌های مسکن به‌ویژه مسکن <b>زوج‌های جوان</b> و اقشار کم‌درآمد، اراضی شهری در اختیار خود را به‌صورت مزایده به فروش رسانده .....</p>

همان‌طور که ملاحظه می‌شود گفتمان قداست نهاد خانواده و تلاش در راستای تحکیم آن، در تمامی برنامه توسعه مورد توجه قرار گرفته است. نگاهی به مواد مذکور در سطور بالا نشان می‌دهد اگرچه موضوع «قداست» و «تحکیم» نهاد خانواده در تمامی برنامه توسعه تکرار شده، اما در همه برنامه‌ها توجه به این موضوع عمدتاً توصیه‌گونه بوده و برنامه اجرایی مشخصی مورد تأکید قرار نگرفته است. به عبارت دیگر در این برنامه‌ها صرفاً به بیان کلی «لزوم تحکیم نهاد خانواده و تشویق جوانان به ازدواج» اکتفا شده و برنامه عملیاتی مشخصی هدفگذاری نشده است.

در برنامه اول توسعه موضوع قداست نهاد خانواده در کنار موضوعاتی چون ضرورت حفظ محیط زیست و منابع طبیعی، تقویت روحیه مسئولیت‌پذیری و صرفه‌جویی و احترام به قداست و ارزش کار و... ذکر شده و ماده مستقلی به این موضوع اختصاص داده نشده است.

در برنامه دوم توسعه توجه به این گفتمان عمدتاً از طریق توصیه به فراهم نمودن امکانات مادی ازدواج از جمله تسهیلات بانکی و مسکن بوده است، اما در خصوص نحوه تهیه زیرساخت‌های این امکانات سخنی به میان نیامده است. به عبارت دیگر اگرچه لازمه تسهیل ازدواج فراهم کردن امکانات یاد شده است، اما ظرفیت‌های کشور در جهت تهیه این امکانات نادیده انگاشته شده و همین نگاه جزءنگرانه سبب عدم موفقیت احکام یاد شده گشته است.

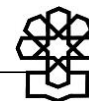
در برنامه سوم توسعه اگرچه ذیل ماده (۱۵۸) به بحث تقویت نهاد خانواده اشاره شده، اما در بندهای مرتبط با این ماده صرفاً تقویت جایگاه زنان مدنظر قرار گرفته و اقدام مشخصی در راستای موضوع تحکیم نهاد خانواده پیشنهاد نشده است.

در برنامه چهارم توسعه و ماده (۹۷) موضوع تحکیم نهاد خانواده ذیل آسیب‌های اجتماعی دیده شده و بنا شده جهت پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، تقویت نهاد خانواده صورت پذیرد. در ماده (۱۱۱) نیز تنظیم برخی طرح‌ها و لوایح در حوزه تحکیم خانواده مورد اشاره قرار گرفته است.

در برنامه پنجم توسعه نیز همچنان نگاه کلی و توصیه‌گونه حاکم بوده و تدوین برنامه جامع توسعه امور زنان و خانواده با محوریت تحکیم خانواده در کنار ۱۳ محور دیگر مورد اشاره قرار گرفته است.

آنچه در تمامی این برنامه‌ها به چشم می‌خورد فقدان مفهومی عملیاتی از تحکیم خانواده است. به عبارت دیگر مشخص نیست به‌راستی برنامه‌نویسان چه مفهومی از تحکیم خانواده را مدنظر داشته‌اند و وقتی از آن سخن می‌گویند از چه شاخص‌هایی صحبت به میان می‌آید.

به‌نظر می‌رسد مفهوم تحکیم نهاد خانواده پروسه‌ای از آماده‌سازی و افزایش امکانات و آگاهی نسل جوان جهت ازدواج، ایجاد حسن خلق در خانواده، توجه و احترام به اقتدار پدر ..... تا تلاش در راستای پیشگیری از طلاق را دربرمی‌گیرد، با این حال در احکام یاد شده، به تمامی این شاخص‌ها به‌ویژه به موضوع طلاق و پیشگیری از آن پرداخته نشده است. بررسی مواد یاد شده نشان می‌دهد تلقی و برداشت



رایج در اسناد برنامه‌های توسعه از گفتمان قداست نهاد خانواده، تسهیل ازدواج جوانان - آن هم با فراهم کردن شرایط حداقلی مادی - است.

شاید بتوان مهمترین اقدام صورت گرفته در راستای موضوع تسهیل ازدواج را تصویب قانون تسهیل ازدواج جوانان در تاریخ ۱۳۸۴/۸/۲۷ از سوی مجلس شورای اسلامی دانست که این قانون به علت فقدان آیین‌نامه اجرایی همچنان به صورت کامل اجرایی نشده است. علاوه بر این در تاریخ ۱۳۹۱/۴/۳۱ ستاد ملی زنان و خانواده برنامه «جامع تشکیل، تحکیم و تعالی نهاد خانواده» را با ۲۹۰ اقدام ملی به تصویب رساند که این مصوبه نیز همچنان اجرایی نگشته و در بودجه سنواتی موفق به دریافت اعتبار نشده است. همانطور که گفته شد برنامه‌های توسعه صرفاً به تکرار مفهوم تحکیم خانواده پرداخته و برنامه مشخص و به خصوص ۵ ساله‌ای را در این حوزه دنبال نکرده‌اند. در ادامه تلاش می‌شود تا وضعیت شاخص‌های مرتبط با خانواده بررسی شود. با توجه به تمرکز برنامه‌های توسعه بر موضوع ازدواج جوانان و تسهیل آن و غیرقابل سنجش بودن برخی از شاخص‌های وضعیت تحکیم خانواده از جمله رضایت عاطفی و جنسی زوجین از یکدیگر در این گزارش تنها به شاخص‌های کلان سنجش این حوزه از جمله تعداد ازدواج‌ها و طلاق‌ها در کشور، نسبت طلاق به ازدواج و همچنین نسبت تجرد پرداخته شده است. نگاهی به آمارهای یاد شده نشان می‌دهد این شاخص‌ها از وضعیت چندان مطلوبی در کشور برخوردار نیستند.

جدول ۲. بررسی تعداد ازدواج‌ها و طلاق‌های صورت گرفته در کشور از سال ۱۳۶۸-۱۳۹۳

برنامه	سال	تعداد ازدواج‌ها	تعداد طلاق‌ها	نسبت طلاق به ازدواج
برنامه اول	۱۳۶۸	۴۵۸۷۰۸	۳۳۹۴۳	۷/۴۰
	۱۳۶۹	۴۵۴۹۶۳	۳۷۸۲۶	۸/۳۱
	۱۳۷۰	۴۴۸۸۵۱	۳۹۳۳۶	۸/۶۹
	۱۳۷۱	۴۲۲۴۵۷	۳۳۹۸۳	۸/۰۴
	۱۳۷۲	۴۶۳۴۸۷	۲۹۳۱۲	۶/۳۲
	۱۳۷۳	۴۵۳۶۷۱	۳۲۷۰۶	۷/۲۱
برنامه دوم	۱۳۷۴	۴۶۲۸۵۵	۳۴۷۳۸	۷/۵۱
	۱۳۷۵	۴۷۹۲۶۳	۳۷۸۱۷	۷/۸۹
	۱۳۷۶	۵۱۱۴۰۱	۴۱۸۱۶	۸/۱۸
	۱۳۷۷	۵۳۱۴۹۰	۴۲۳۹۱	۷/۹۸
	۱۳۷۸	۶۱۱۵۱۹	۵۱۰۴۴	۸/۳۵
برنامه سوم	۱۳۷۹	۶۴۶۴۹۸	۵۳۷۹۷	۸/۳۲
	۱۳۸۰	۶۴۱۹۴۰	۶۰۵۵۹	۹/۴۲
	۱۳۸۱	۶۵۰۹۶۰	۶۷۲۵۶	۱۰/۳۳
	۱۳۸۲	۶۸۱۰۳۴	۷۲۳۵۹	۱۰/۶۲

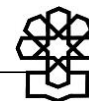
نسبت طلاق به ازدواج	تعداد طلاق‌ها	تعداد ازدواج‌ها	سال	برنامه
۱۰/۲۱	۷۳۸۸۲	۷۲۳۹۷۶	۱۳۸۳	برنامه چهارم
۱۰/۶۹	۸۴۲۴۱	۷۸۷۸۱۸	۱۳۸۴	
۱۲/۰۸	۹۴۰۴۰	۷۷۸۲۹۱	۱۳۸۵	
۱۱/۸۷	۹۹۸۵۲	۸۴۱۱۰۷	۱۳۸۶	
۱۲/۵۴	۱۱۰۵۱۰	۸۸۱۵۹۲	۱۳۸۷	
۱۴/۱۳	۱۲۵۷۴۷	۸۹۰۲۰۸	۱۳۸۸	
۱۵/۳۹	۱۳۷۲۰۰	۸۹۱۶۲۷	۱۳۸۹	برنامه پنجم
۱۶/۳۳	۱۴۲۸۴۱	۸۷۴۷۹۲	۱۳۹۰	
۱۸/۱۱	۱۵۰۳۲۴	۸۲۹۹۶۸	۱۳۹۱	
۲۰/۰۶	۱۵۵۳۶۹	۷۷۴۵۱۳	۱۳۹۲	
۲۲/۵۸	۱۶۳۵۶۹	۷۲۴۳۲۴	۱۳۹۳	

مأخذ: ثبت احوال کشور.

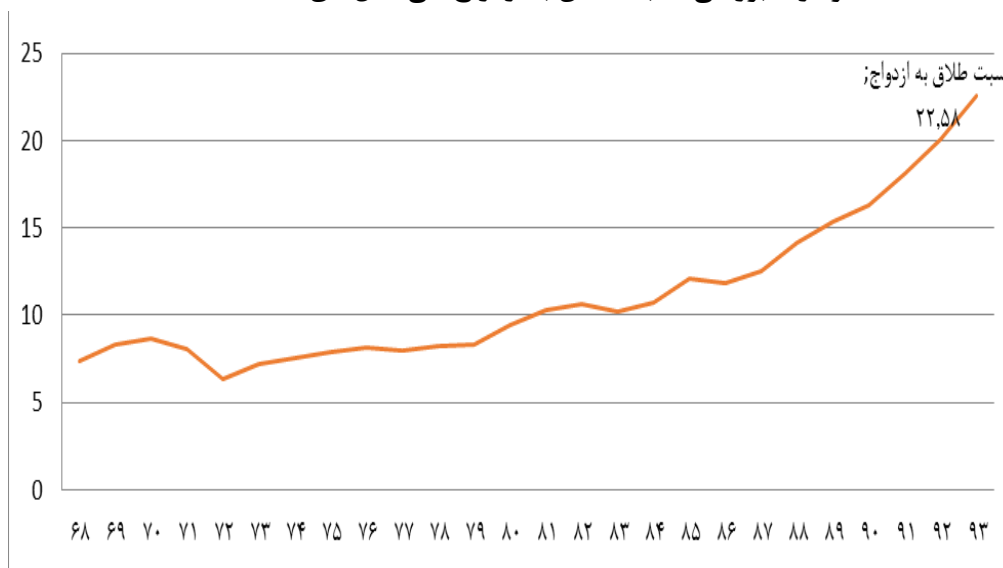
همان‌طور که ملاحظه می‌شود اگرچه در طول سال‌های ۱۳۶۸-۱۳۹۳ نرخ ازدواج در کشور به‌طور نسبی روند رو به رشدی را طی کرده است با وجود این در سال‌های اخیر این میزان کاهش یافته و تعداد ازدواج‌های ثبت شده در سال ۱۳۹۲ و ۱۳۹۳ به‌ترتیب با نرخ رشد منفی ۶/۶ و ۶/۴ درصد نسبت به سال قبل روبرو است.

علاوه بر این همان‌طور که از جدول فوق برمی‌آید تعداد طلاق‌ها در کشور در طول سنوات مورد بررسی، رشد قابل ملاحظه‌ای را نشان می‌دهد که حاکی از تغییر نگرش نسبت به طلاق و قبح آن در جامعه است.

ازسوی دیگر مقایسه نسبت طلاق‌ها به ازدواج‌ها (تعداد طلاق‌ها در هر ۱۰۰ ازدواج) در سال‌های اجرای برنامه نیز حاکی از رشد مستمر نسبت طلاق به ازدواج در کشور است.



نمودار ۱. بررسی نسبت طلاق به ازدواج طی سال‌های ۱۳۶۸-۱۳۹۳



همان‌طور که از نمودار فوق برمی‌آید نسبت طلاق به ازدواج در طول سال‌های اجرای برنامه‌های توسعه به‌ویژه از سال ۱۳۸۹ به بعد رشد چشمگیری داشته به نحوی که در سال ۱۳۹۳ این میزان به ۲۲ درصد رسیده که به معنای ۲۲ طلاق از هر ۱۰۰ ازدواج است. این در حالی است که در سال ۱۳۶۸ یعنی از سال آغاز برنامه‌های توسعه، از هر ۱۰۰ ازدواج تنها ۷ مورد به طلاق منجر می‌شده است.<sup>۱</sup> بدین ترتیب می‌توان گفت بین تصمیمات سیاستمداران (برنامه‌ریزی در راستای قداست و تحکیم نهاد خانواده) و واقعیت جامعه (کاهش آمار ازدواج و افزایش آمار طلاق در کشور) شکاف قابل توجهی وجود دارد که بخشی از آن به ماهیت برنامه‌ریزی دولت و عدم توجه به لزوم برنامه‌ریزی مشخص و فقدان برنامه‌ریزی عملیاتی بازمی‌گردد.

علاوه بر این یکی دیگر از راهکارهای سنجش وضعیت جایگاه نهاد خانواده در جامعه به‌دلیل تأکید برنامه‌های توسعه نسبت به مسئله ازدواج، **احصای نسبت‌های مجرد در میان جوانان** است.

بررسی‌های آماری نشان می‌دهد در دوره ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۰، نسبت مجرد در میان مردان از حدود

**۶۰ به ۷۰ درصد و برای زنان از ۳۶ به ۴۸ درصد افزایش یافته است.<sup>۲</sup>**

۱. تحقیقات متعدد در توضیح افزایش نرخ طلاق در جامعه به نقش متغیرهای مختلفی چون سن ازدواج و اختلاف سنی زوجین، سطح تحصیلات، عوامل اقتصادی، اعتیاد و سوءمصرف مواد مخدر، مشکلات جنسی، اختلالات روانی، خشونت خانگی، ازدواج اجباری، نابرابری و... اشاره می‌کنند. عبدالحسین کلانتر، پیام روشن فکر، جلوه واهری؛ مرور سه دهه تحقیقات «علل طلاق» در ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، سال چهاردهم، شماره ۵۳، پاییز ۱۳۹۰.

۲. محمدجلال عباسی شوازی، بررسی وضعیت جمعیتی و اقتصادی-اجتماعی جوانان در ایران، پژوهشکده آمار، ۱۳۹۲.

جدول ۳. توزیع نسبی وضعیت زناشویی مردان و زنان ۱۵-۲۹ ساله از سال ۱۳۶۵-۱۳۹۰

سال	مردان					زنان				
	هرگز ازدواج نکرده	دارای همسر	بی‌همسر بر اثر فوت همسر	بی‌همسر بر اثر طلاق	اظهار نشده	هرگز ازدواج نکرده	دارای همسر	بی‌همسر بر اثر فوت همسر	بی‌همسر بر اثر طلاق	اظهار نشده
۱۳۶۵	۵۹/۵۵	۳۸/۵۴	۰/۲۹	۰/۲۷	۱/۳۵	۳۶/۱۷	۶۲/۱۳	۰/۷۲	۰/۵۰	۰/۴۸
۱۳۷۵	۶۹/۹۴	۲۹/۳۱	۰/۱۱	۰/۱۵	۰/۵۹	۵۰/۰۲	۴۸/۶۹	۰/۳۳	۰/۳۴	۰/۶۲
۱۳۸۵	۷۲/۷۶	۲۶/۲۴	۰/۱۰	۰/۲۵	۰/۶۵	۵۳/۳۷	۴۵/۱۵	۰/۲۸	۰/۵۳	۰/۶۷
۱۳۹۰	۶۹/۵۴	۲۹/۷۲	۰/۱۲	۰/۳۴	۰/۲۸	۴۸/۱۱	۵۰/۶۲	۰/۳۰	۰/۸۹	۰/۰۸

مأخذ: پردازش براساس نتایج سرشماری جمعیتی ۱۳۶۵-۱۳۹۰، برگرفته از گزارش بررسی وضعیت جمعیتی و اقتصادی-اجتماعی جوانان در ایران، پژوهشکده آمار، ص ۱۷.

همچنین طی دوره مذکور (۱۳۶۵-۱۳۹۰)، درصد رشد زنان و مردان ازدواج نکرده گروه‌های سنی ۱۵-۱۹ ساله، ۲۰-۲۴ ساله و ۲۵-۲۹ سال قابل تأمل است که نشان از افزایش میانگین سن ازدواج در کشور نیز دارد. نگاهی به جدول ۴ نشان می‌دهد اگرچه نسبت تجرد زنان شهری در گروه سنی ۱۵-۱۹ ساله در سال ۱۳۶۵، ۶۶ درصد بوده با این وجود این میزان برای سال ۱۳۹۰، به ۸۱ درصد رسیده است. به عبارت دیگر در سال ۱۳۹۰، ۸۱ درصد زنان شهری ۱۵-۱۹ ساله مجرد بوده‌اند. در روستاها نیز این نسبت از ۶۴ درصد در سال ۱۳۶۵ به ۷۱ درصد در سال ۱۳۹۰ افزایش داشته است. در گروه سنی ۲۰-۲۴ ساله نیز نسبت تجرد زنان شهری از ۲۷ درصد به ۴۹ درصد و برای مردان از ۶۴ به ۷۹ درصد رسیده است. این افزایش در روستاها نیز قابل توجه است. در گروه سنی ۲۵-۲۹ ساله اگرچه نسبت تجرد در مقایسه با گروه سنی ۱۵-۱۹ ساله و ۲۰-۲۴ ساله کمتر است، اما این نسبت برای مردان و زنان شهر و روستایی طی سال‌های مورد بررسی به شدت افزایش یافته است.



جدول ۴. نسبت تجرد در میان زنان و مردان به تفکیک گروه‌های سنی در طول سال‌های ۱۳۶۵-۱۳۹۰

سال		نسبت تجرد در گروه سنی ۱۵-۱۹						نسبت تجرد در گروه سنی ۲۰-۲۴						نسبت تجرد در گروه سنی ۲۵-۲۹			
		روستایی		شهری		کل کشور		روستایی		شهری		کل کشور		روستایی		شهری	
		زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد
۱۳۶۵	۹۳/۲	۶۵/۸	۹۵/۴	۶۶/۸	۹۰/۵	۶۴/۷	۲۵/۸	۵۸/۶	۲۷/۰	۶۴/۳	۲۴/۱	۵۰/۷	۲۳/۳	۱۰/۵	۱۲/۲	۷/۸	
۱۳۷۵	۹۷/۵	۸۲/۲	۹۸/۱	۸۳/۷	۹۶/۵	۷۹/۸	۳۹/۵	۷۲/۷	۷۶/۷	۳۸/۹	۴۰/۴	۶۶/۵	۳۱/۳	۱۳/۹	۱۹/۵	۱۶/۵	
۱۳۸۵	۹۷/۹	۸۳/۰	۹۸/۲	۸۵/۱	۹۷/۳	۷۸/۹	۴۹/۵	۷۸/۸	۸۰/۹	۵۰/۶	۴۶/۸	۷۴/۲	۳۸/۷	۲۲/۷	۳۱/۵	۲۴/۸	
۱۳۹۰	۹۷/۷	۷۸/۶	۹۸/۱	۸۱/۸	۹۶/۹	۷۱/۶	۴۷/۱	۷۷/۶	۷۹/۸	۴۹/۵	۴۱/۹	۷۲/۲	۴۲/۹	۲۶/۵	۳۳	۲۵/۳	

مأخذ: بررسی وضعیت جمعیتی و اقتصادی-اجتماعی جوانان در ایران، پژوهشکده آمار، ص ۱۸.

\* جهت محاسبه نسبت تجرد زنان و مردان گروه سنی ۲۵-۲۹ سال کل کشور از میانگین نسبت تجرد زنان شهری و روستایی برای زنان و میانگین نسبت تجرد مردان شهری و روستایی برای مردان بهره گرفته شده است.

بدین ترتیب بررسی میزان رشد طلاق و ازدواج از سال ۱۳۶۵ تاکنون در کنار نسبت طلاق به ازدواج و همچنین نسبت مجرد در گروه سنی ۱۵-۲۹ نشان از آن دارد که علی‌رغم اهمیت موضوع ازدواج و تحکیم نهاد خانواده در جمهوری اسلامی ایران به علت فقدان برنامه‌ریزی عملیاتی برای آن و تعیین شاخص‌های تحکیم خانواده و نگاه جزءنگرانه به این موضوع در برنامه‌های توسعه، وضعیت شاخص‌های اصلی این گفتمان در کشور مناسب نیست.

## ۲. گفتمان مشارکت اجتماعی - اقتصادی زنان

همان‌طور که گفته شد یکی از محورهای گفتمانی انقلاب اسلامی «مشارکت اجتماعی - اقتصادی زنان» است. نقش گسترده زنان در پیروزی انقلاب اسلامی و نگاه ویژه گفتمان اسلامی که مشارکت اجتماعی و سیاسی زنان با حفظ شئون زن و خانواده را یکی از ویژگی‌های جامعه اسلامی می‌دانست فراهم‌کننده زمینه حضور این گفتمان در برنامه‌های توسعه بوده است.<sup>۱</sup> «ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او»،<sup>۲</sup> «مساوی بودن همه افراد ملت اعم از زن و مرد از حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی»<sup>۳</sup> و «تقویت جایگاه زنان در صحنه‌های اجتماعی»<sup>۴</sup> از جمله نشانه‌های تلقی این گفتمان است. حال باید دید گفتمان مشارکت اقتصادی - اجتماعی زنان تا چه میزان و با چه رویکردی در برنامه‌های توسعه حضور داشته است؟

درخصوص اینکه چه شاخص‌هایی قوام‌دهنده گفتمان مشارکت - اجتماعی - اقتصادی زنان است، مسلماً بنا به رویکردهای نظری اتخاذ شده تفاوت دیدگاه وجود دارد؛ با وجود این درخصوص برخی از شاخص‌های این گفتمان از جمله اشتغال زنان و آموزش آنها در بین تمامی صاحب‌نظران اشتراک دیدگاه وجود دارد. بررسی احکام برنامه‌های توسعه نشان می‌دهد محورهای زیر، ذیل گفتمان مشارکت اقتصادی - اجتماعی زنان مورد توجه قرار گرفته است.

۱. فراهم ساختن زمینه مشارکت اقتصادی زنان (اشتغال زنان)،

۲. توسعه امور معیشتی زنان سرپرست خانوار،

۳. آموزش زنان و دختران،

۱. در بیانات امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری نیز در این زمینه قابل توجه است: «در نظام اسلامی، زن به‌عنوان یک انسان می‌تواند مشارکت فعال با مردان، در بنای جامعه اسلامی داشته باشد» (امام خمینی، ۱۳۷۴: ۶۵)، «فعالیت زنان در عرصه اجتماع فعالیت کاملاً مباح و روا و مطلوب و مجاز است که با حفظ حدود اسلامی اینها را انجام دهند و نیمی از نیروی فعال جامعه را به جامعه تقدیم کنند. .... در طراحی و فکر کردن و برای امور یک کشور و یک شهر و یک روستا و یک مجموعه و امور شخصی خانواده مطالعه کردن میان زن و مرد تفاوتی نیست. همه مسئولند و همه باید انجام دهند»، «بیانات در اجتماع بانوان خوزستان، ۱۳۷۵/۱۲/۲۰».

۲. اصل بیست‌ویکم قانون اساسی.

۳. اصل بیستم قانون اساسی.

۴. سیاست‌های کلی توسعه ابلاغی مقام معظم رهبری.



۴. توجه به ورزش همگانی و حرفه‌ای بانوان.

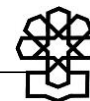
بررسی برنامه‌های توسعه، نشان می‌دهد موضوع «مشارکت اقتصادی و اجتماعی زنان» در تمامی این برنامه‌ها تجلی یافته با این حال این توجه در برنامه‌های پنج‌گانه توسعه با نوسان کمی روبرو بوده است. علاوه بر این مجموعه اقدامات معطوف به «مشارکت اقتصادی- اجتماعی زنان» علاوه بر کمیت براساس کیفیت و نوع اقدامات لحاظ شده در هریک از برنامه‌های توسعه نیز براساس رویکرد حاکم متفاوت است.

در جدول زیر تلاش شده مجموعه احکام توسعه در راستای ارتقای جایگاه زنان و فراهم نمودن زمینه مشارکت آنها در طول ۵ برنامه توسعه به تفکیک مورد بررسی قرار گیرد.

## ۲-۱. مشارکت اقتصادی زنان

جدول ۵. مقایسه احکام برنامه‌ای مرتبط با موضوع مشارکت اقتصادی زنان در برنامه‌های پنج‌گانه توسعه

برنامه اول ۱۳۶۸-۱۳۷۲	برنامه دوم ۱۳۷۴-۱۳۷۸	برنامه سوم ۱۳۷۹-۱۳۸۳	برنامه چهارم ۱۳۸۴-۱۳۸۸	برنامه پنجم ۱۳۹۰-۱۳۹۴
۱۸-۳. مشارکت بیشتر زنان در امور اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و اقتصادی با حفظ شئون خانواده و ارزش‌های متعالی شخصیت اسلامی زن.	۱۳. مشارکت بیشتر زنان و بانوان در امور اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و اقتصادی با حفظ شئون خانواده و ارزش‌های متعالی شخصیت اسلامی زن.	ماده (۱۵۸) بند «ب»- طرح‌های لازم برای افزایش فرصت‌های اشتغال زنان و ارتقای شغلی آنان .... تهیه و به‌منظور تصویب به هیئت وزیران ارائه کند. ماده (۷۱) بند «ن» - پیشنهاد برنامه‌های توسعه مشارکت زنان و جوانان به‌ویژه بسیجیان در فعالیتهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استان به مراجع ذیربط و تنظیم سیاست‌های اجرایی مربوطه.	ماده (۵۴) - دستگاه‌های اجرایی موظف‌اند درصدی از اعتبارات هزینه‌ای خود را..... هزینه کنند: الف) دوره‌های آموزشی ضمن خدمت متناسب با مشاغل (به‌خصوص برای زنان) ماده (۱۰۱) - دولت موظف است برنامه ملی توسعه «کار شایسته»..... تقدیم مجلس شورای اسلامی بنماید. الف) .....، تساوی مزدها برای زن و مرد در مقابل کار هم‌ارزش، منع تبعیض در اشتغال و حرفه. ج).....برابری فرصت‌ها برای زنان و مردان و توانمندسازی زنان از طریق دستیابی به فرصت‌های شغلی مناسب). ماده (۱۱۱) - دولت...اقدام‌های ذیل را معمول دارد: الف) تدوین، تصویب و اجرای برنامه جامع توسعه مشارکت زنان ..... ماده (۱۰۲) - الف) توانمندسازی جوانان، زنان،..... جهت شکل‌گیری فعالیت واحدهای تعاونی.	ماده (۲۳۰) - دولت با تدوین و تصویب «برنامه جامع توسعه امور زنان و خانواده» مشتمل بر محورهای..... توسعه و ساماندهی امور اقتصادی - معیشتی با اولویت ساماندهی مشاغل خانگی برای زنان سرپرست خانوار و زنان بدسرپرست..... اقدام قانونی نماید.



یکی از مهمترین محورهای ذیل گفتمان مشارکت اقتصادی- اجتماعی، مشارکت اقتصادی زنان و فراهم ساختن فضای اشتغال آنها در تمامی برنامه‌های توسعه است. اگرچه توجه به این موضوع در همه برنامه‌های توسعه به یک میزان و یک جهت نبوده است. این میزان در برنامه اول و دوم توسعه بسیار کم‌رنگ بوده و در برنامه چهارم به حدی گسترش یافته که محور اصلی برنامه چهارم توسعه را تشکیل داده است؛ با این حال آنچه در این بخش حائز اهمیت است رویکرد قانونگذار در تدوین برنامه‌های توسعه است: بررسی هر یک از مواد مرتبط با این موضوع در برنامه‌های توسعه نشان می‌دهد اگرچه در برنامه‌های اول و دوم توسعه، توجه به مشارکت اقتصادی زنان بسیار کلی و محدود بوده با وجود این، آنچه حائز اهمیت است در برنامه اول توسعه لزوم فراهم کردن زمینه مشارکت زنان به صورت مشروط و نه به معنای مشارکت در هر شرایط و جایگاهی، بلکه با توجه به آموزه‌های اسلامی منوط به حفظ شئون زن و جایگاه او در خانواده بوده است. این روال در برنامه دوم توسعه نیز به همین سیاق دنبال شده است. بدین ترتیب می‌توان گفت احکام برنامه اول و دوم توسعه با گفتمان انقلاب اسلامی در خصوص مشارکت زنان و اولویت مصالح خانواده بر اشتغال زنان تطابق دارد. هرچند که به علت کلی بودن حکم و مشخص نبودن معیارها و شاخص‌های «مشارکت با حفظ شئونات خانواده و ارزش‌های متعالی شخصیت اسلامی زن» چندان نمی‌توان از تأثیر این ماده سخن گفت.

در برنامه سوم توسعه رویکرد دولت تغییر کرده و لزوم افزایش فرصت‌های شغلی پیش‌روی زنان (تبعیض مثبت) و اجرای اصلاحات اداری و حقوقی جهت نیل به این هدف بدون توجه جایگاه زن در خانواده مدنظر قرار گرفته است. در برنامه چهارم توسعه نیز با توجه به رویکرد حاکم در خصوص جایگاه زنان در فرآیند توسعه و نگاه برابری جویانه دولت، شاهد موادی هستیم که در آن لزوم مشارکت حداکثری اقتصادی زنان از طریق تساوی مزدها، رفع تبعیض، برابری در ترکیب جنسیتی فضای کار برای تمامی زنان مدنظر قرار گرفته است. در این برنامه تشویق زنان به اشتغال با استفاده از سیاست تبعیض مثبت بدون توجه به لزوم فراهم کردن فضایی جهت کاهش فشار کار بر زنان و ضرورت حفظ مصالح خانوادگی صورت گرفته و تنها به موضوع حذف نابرابری‌های جنسیتی در فضای کار تأکید شده است.

با این حال در برنامه پنجم توسعه رویکرد دولت از تشویق حداکثری اشتغال زنان مجدداً تغییر کرده و اگرچه موضوع مشارکت اقتصادی زنان مورد توجه قرار گرفته، اما رویکرد دولت در موضوع مشارکت اقتصادی زنان اولویت زنان سرپرست خانوار و توسعه مشاغل خانگی بوده است. به عبارت دیگر در این برنامه تمامی زنان جامعه هدف سیاستگذاری‌های حمایتی اشتغال قرار نخواهند گرفت و اولویت با زنان سرپرست خانوار خواهد بود.

**بدین ترتیب رویکرد دولت در حوزه مشارکت اقتصادی زنان از لزوم هماهنگی مشارکت اقتصادی زنان با موضوع تحکیم خانواده در برنامه اول و دوم توسعه به برابری در فضای اشتغال**

و موقعیت اقتصادی در برنامه چهارم و سیاست عدم تشویق اشتغال زنان و اولویت زنان سرپرست خانوار در برنامه پنجم متغیر بوده که نشان‌دهنده فقدان رویکرد مستمر و پایدار در این حوزه بوده است. لازم به ذکر است بررسی اسناد بالادستی نشان می‌دهد اگرچه موضوع مشارکت اقتصادی زنان مورد تأیید بوده، اما با توجه به اولویت خانواده در نظام اسلامی این مشارکت اقتصادی نباید با منافع خانواده در تعارض قرار گیرد. به عبارت دیگر منع هرگونه تبعیض در اشتغال و نگاه برابری‌جویانه به اشتغال زنان و مردان آن‌گونه که در برنامه چهارم توسعه مورد توجه بوده از پشتوانه کافی برخوردار نبوده و قابل تأیید نیست.

بررسی آماری وضعیت اشتغال زنان در جامعه ایران نشان می‌دهد نرخ فعالیت اقتصادی زنان در طول سال‌های اجرای برنامه‌های توسعه رشد داشته است. براساس آمار، تعداد شاغلین زن در سال ۱۳۶۵، ۹۷۵ هزار نفر بوده که این میزان در سال ۱۳۹۰ به ۲ میلیون و ۷۱۲ هزار نفر افزایش یافته است.

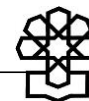
جدول ۶. بررسی نرخ فعالیت اقتصادی زنان و مردان طی سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۹۰

جنس/سال	۱۳۶۵	۱۳۷۰	۱۳۷۵	۱۳۸۰	۱۳۸۵	۱۳۹۰
مرد	۶۸/۳۶	۶۵/۵۴	۶۰/۷۷	۶۱/۸۲	۶۴/۹	۶۰/۷
زن	۸/۱۵	۷/۲۹	۹/۱۰	۱۱/۶۹	۱۶/۵	۱۲/۶

مأخذ: سالنامه آماری کشور، ۱۳۹۱.

آنچه حائز اهمیت است آنکه اگرچه نرخ اشتغال زنان در مقایسه با مردان بسیار کمتر است، اما در طول سال‌های اخیر به واسطه تأکید سیاست‌ها و قوانین رسمی و غیررسمی بر موضوع مشارکت بانوان، مطالبه اشتغال زنان شکل جدی‌تری یافته است. براساس اعلام معاون امور زنان و خانواده ریاست جمهوری در سال ۱۳۹۴، مطالبات مالی و اشتغال جزء رتبه‌های اول مطالبات زن در کشور را تشکیل می‌دهد.<sup>۱</sup> آنچه در این میان حائز اهمیت است آنکه اگرچه اشتغال زنان در جهت پیشبرد اهداف توسعه ضروری بوده، اما باید بررسی کرد تا چه حد تلاش شده سیاست‌ها و قوانین کشور در خصوص مشارکت اقتصادی زنان در تعارض با گفتمان تحکیم نهاد خانواده که دال مرکزی گفتمانی انقلاب اسلامی را تشکیل می‌دهد، قرار نگیرد. اگرچه قانونگذار تلاش نموده با وضع قوانین حمایتی چون مرخصی زایمان، مرخصی ساعات شیردهی، کاهش سن بازنشستگی زنان از ۳۰ به ۲۵ سال، تلاش‌هایی را در این راستا انجام دهد، اما باید گفت تأکید برنامه‌های توسعه بر لزوم مشارکت زنان بدون توجه به الزامات اشتغال آنها صورت گرفته است. امری که منجر شده زنان با چالش‌های متعددی روبرو گردند. در تحقیقی تحت عنوان «مسئله‌شناسی زنان بنا بر روایت زنان (مطالعه کیفی)» که در سال ۱۳۹۱ صورت گرفته یکی از

1. <http://mehrkhane.com/fa/news/20606>



مسائل مهم زنان در بخش اشتغال، فشار مضاعف بر زنان، آزار جنسی و محدودیت‌های مشاغل زنان ذکر شده است.<sup>۱</sup> به‌عنوان مثال به نظر می‌رسد زنان شاغل، علاوه بر مشکلات و مسائلی که در محیط کار با آن روبرو هستند در مقایسه با زنان خانه‌دار از فشار مضاعفی رنج می‌برند. چرا که آنان موظف هستند همچنان کارهای منزل و کودکان را انجام دهند. بدین ترتیب عدم توجه به برنامه‌ریزی موجود به الزامات اشتغال زنان و دعوت از آنان به حضور در ساختار اشتغال غیرمنعطف که به معنای حداقل ۸ ساعت کار در طول شبانه‌روز است، از یک‌سو سبب فشار کار مضاعف بر زنان شده و از سوی دیگر آنان را با چالش‌هایی به‌خصوص در مشاغل خصوصی (عدم امنیت شغلی و روانی، مزاحمت در فضای کار و ...) مواجه نموده که راهکاری برای آن اندیشیده نشده است.

بدین ترتیب آنچه انتظار می‌رفت در برنامه‌های توسعه ذیل گفتمان مشارکت اقتصادی زنان مورد توجه قرار گیرد نه تأکید صرف بر کمیت و برابری فرصت‌های اشتغال زنان و مردان، بلکه توجه به الزامات اشتغال زنان و هماهنگ نمودن آن با گفتمان تحکیم نهاد خانواده است.

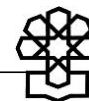
---

۱. صادقی فسایی، سهیلا و سمیه مقدم، مسئله‌شناسی زنان بنا بر روایت زنان (مطالعه کیفی)، فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی، سال سیزدهم، شماره ۴۹: ۲۸۳-۲۸۶.

## ۲-۲. توسعه امور معیشتی زنان سرپرست خانوار

## جدول ۷. مقایسه احکام برنامه‌ای مرتبط با موضوع توسعه امور معیشتی زنان سرپرست خانوار در برنامه‌های پنج‌گانه توسعه

برنامه اول ۱۳۶۸-۱۳۷۲	برنامه دوم ۱۳۷۴-۱۳۷۸	برنامه سوم ۱۳۷۹-۱۳۸۳	برنامه چهارم ۱۳۸۴-۱۳۸۸	برنامه پنجم ۱۳۹۰-۱۳۹۴
-	تبصره «۱۲»- از محل اعتبارات فصل تأمین اجتماعی، معادل (۴,۸۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال برای پرداخت مستقیم کمک معاش ماهیانه به ..... زنان و کودکان بی‌سرپرست، ..... ۵. تعمیم، گسترش و بهبود نظام تأمین اجتماعی به‌وسیله تأمین منابع از محل بودجه عمومی به منظور پرداخت مستمری به اقشار نیازمند، زنان و کودکان بی‌سرپرست و.....	ماده (۵۶)- ..... نظام بانکی کشور موظف است همواره پس از کسر ذخایر قانونی و احتیاطی سپرده‌های قرض‌الحسنه پس‌انداز حداقل هفتاد درصد (۷۰٪) بقیه را برای تهیه ابزار کار در اختیار کسانی قرار دهد که برای کار کردن امکان تهیه وسایل کار خود را ندارند. بیکاران ساکن در روستاها و <b>زنان بیکار سرپرست خانوار</b> .....از اولویت برخوردارند. ماده (۱۵۸)- مرکز امور مشارکت زنان ریاست‌جمهوری موظف است: د) برای بهره‌گیری از خدمات مختلف اجتماعی زنان ..... طرح‌های لازم با اولویت قائل شدن برای <b>زنان خودسرپرست و بی‌سرپرست</b> مناطق توسعه‌نیافته یا کمتر توسعه‌یافته و ..... تهیه ... کند .	ماده (۳۰) قسمت «د» بند «۳»- دادن یارانه کارمزد تسهیلات مسکن به سازندگان (بخش‌های خصوصی، تعاونی و عمومی) واحدهای مسکونی ارزاقیمت و استیجاری ..... برای گروه‌های کم‌درآمد..... و <b>زنان سرپرست خانوار</b> . ماده (۹۷)- بند «ل»- افزایش مستمری ماهیانه خانواده‌های نیازمند و بی‌سرپرست و <b>زنان سرپرست خانواده</b> تحت پوشش دستگاه‌های حمایتی .... ماده (۵۴)- الف) دستگاه‌های اجرایی موظف‌اند درصدی از اعتبارات هزینه‌ای خود را در موارد زیر هزینه کنند: ج) تأمین بیمه خاص (در قالب فعالیت‌های حمایتی)، برای حمایت از <b>زنان سرپرست خانوار</b> و افراد بی‌سرپرست با اولویت کودکان بی‌سرپرست. ماده (۹۷) - ی) تهیه و تدوین طرح جامع <b>توانمندسازی زنان خودسرپرست و سرپرست خانوار</b> ....	ماده (۳۹)- به‌منظور توانمندسازی افراد و گروه‌های نیازمند به‌ویژه زنان سرپرست ..... اقدامات زیر توسط دولت انجام می‌شود. ج) تأمین حق سرانه بیمه اجتماعی <b>زنان سرپرست خانوار</b> نیازمند، ..... ماده (۲۳۰)- دولت با تدوین و تصویب «برنامه جامع توسعه امور زنان و خانواده» مشتمل بر محورهای..... توسعه و ساماندهی امور اقتصادی - معیشتی با اولویت ساماندهی مشاغل خانگی برای <b>زنان سرپرست خانوار و زنان بدسرپرست</b> ..... اقدام قانونی نماید.



بررسی احکام برنامه‌های توسعه‌ای مرتبط با گفتمان «مشارکت اقتصادی و اجتماعی زنان» نشان می‌دهد یکی از مهمترین گروه‌های هدف مورد توجه در این برنامه‌ها، زنان سرپرست خانوار بوده‌اند. در خانواده ایرانی - اسلامی مرد سرپرست خانوار تلقی می‌گردد، اما تحت شرایطی این مسئولیت برعهده زنان قرار می‌گیرد؛ در چنین فضایی حمایت از زنان سرپرست خانوار یکی از وظایف اصلی دولت تلقی می‌شود. طبق تعریف زنان سرپرست خانوار شامل زنان بیوه، زنان مطلقه (اعم از زنانی که پس از طلاق به تنهایی زندگی می‌کنند و یا به خانه پدری بازگشته، ولی خود امرار معاش می‌کنند) همسران مردان معتاد، همسران مردان زندانی، همسران مردان بیکار، همسران مردان مهاجر، زنان خودسرپرست (زنان سالمند تنها) دختران خودسرپرست (دخترانی که ازدواج نکرده‌اند و تحت سرپرستی پدر و مادر خود قرار ندارند) همسران مردان از کار افتاده می‌شود.<sup>۱</sup> علیرغم اهمیت موضوع حمایت از زنان سرپرست خانوار که در قانون اساسی نیز تجلی یافته است،<sup>۲</sup> تمامی برنامه‌های توسعه از رویکرد یکسانی جهت ارتقای جایگاه زنان سرپرست خانوار مدد نگرفته‌اند. بررسی برنامه‌های توسعه نشان می‌دهد اقدامات این حوزه از ارائه تسهیلات به زنان به‌ویژه زنان در معرض آسیب و سرپرست خانوار جهت بهبود امور معیشتی آنها آغاز شده و به مرور به توانمندسازی زنان جهت افزایش نقش در فرآیند توسعه کشور و فراهم نمودن فضای اشتغال برای آنها گرایش یافته است.

ارائه تسهیلات به زنان سرپرست خانوار که در برنامه دوم توسعه از طریق پرداخت کمک هزینه معاش و یا ارائه تسهیلات خرید مسکن تحقق یافته را می‌توان براساس نظریه رویکرد رفاه<sup>۳</sup> تحلیل کرد. براساس این نظریه زنان به‌عنوان عامل منفعل، کم‌توان و بدون شرکت فعالانه در فرآیند توسعه مستحق دریافت کمک‌های حمایتی - مالی تلقی می‌شوند. این نظریه شرایط نامطلوب زنان را انکار نمی‌کند، اما به جای اعطای نقش عاملیت به زنان در فرآیند توسعه راه‌حل بهبود وضعیت معیشتی را اختصاص بعضی کمک‌های جبرانی به زنان دانسته است. این نگاه در برنامه توسعه به‌ویژه برنامه دوم تا سوم توسعه قابل پیگیری است. برای مثال در برنامه دوم توسعه پرداخت کمک معاش ماهیانه به زنان و کودکان بی‌سرپرست و بهبود نظام تأمین اجتماعی به‌منظور پرداخت کمک‌هزینه به زنان و کودکان بی‌سرپرست و در برنامه سوم ارائه تسهیلات به‌صورت وام بدون بهره به زنان بیکار سرپرست خانوار مورد توجه می‌باشد. به مرور با تغییر نگاه جهانی به جایگاه زنان و توجه به نقش عاملیت آنها در فرآیند توسعه تلاش در راستای توانمندسازی زنان سرپرست خانوار شروع شد. امری که شواهد آن را در برنامه چهارم و پنجم

۱. سهیلا یورقانی فراهانی، نقش زنان در مدیریت خانواده در مجموعه‌های تلویزیونی براساس اهداف سند چشم‌انداز توسعه جمهوری اسلامی ایران، مطالعه موردی زنان سرپرست خانوار، در مجموعه مقالات دومین همایش توانمندسازی و توان‌افزایی زنان سرپرست خانوار، ۱۳۸۸.

۲. اصل بیست‌ویکم قانون اساسی: ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی‌سرپرست.

۳. رضا شیرزادی و سپیده سوزنی شیروان، ملاحظات جنسیتی در برنامه‌های پنج‌گانه توسعه ایران، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال هشتم، ش ۲۱، ۱۳۹۱، صص ۱۵۳-۱۵۴.

توسعه به خوبی می‌توان مشاهده کرد. برای مثال در برنامه پنجم توسعه و ذیل ماده (۲۳۰)، اشتغال زنان سرپرست خانوار در اولویت قرار گرفته است. بدین ترتیب هر چه در برنامه‌های توسعه پیش می‌آید شاهد کاهش نگاه منفعلانه به زن سرپرست خانوار و ارائه کمک‌های صرف مادی به او و افزایش اقدامات در حیطه توانمندسازی آنان برای فراهم‌سازی زمینه‌های مشارکت اجتماعی و اقتصادی هستیم.

بررسی‌های آماری نشان می‌دهد در طول سال‌های ۱۳۶۵-۱۳۹۰ با افزایش قابل توجه زنان سرپرست خانوار روبرو هستیم. در حالی که در سال ۱۳۶۵ تنها ۷ درصد جامعه زنان را سرپرستان خانوار تشکیل می‌دهند، این رقم در سال ۱۳۹۰ به ۱۲ درصد افزایش یافته است. براساس سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰، ۵۴/۵ خانوارهای زن سرپرست بی‌سواد هستند و سهم خانوارهای زن سرپرست با سرپرست غیرشاغل ۸۲/۱ درصد است.

اطلاعات دریافتی از سازمان‌های حمایتی عمده نشان می‌دهد که ۴۶ درصد از کل خانوارهای زن سرپرست تحت پوشش سازمان‌های حمایتی قرار دارند.

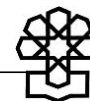
#### جدول ۸. تعداد خانوارهای زن سرپرست تحت پوشش سازمان‌های حمایتی در سال ۹۰

نام سازمان	تعداد	درصد از کل خانوارهای زن سرپرست
کمیته امداد	۹۳۰۳۴۴	۳۶/۴
سازمان بهزیستی	۱۷۳۴۲۱	۶/۸
ستاد توانمندسازی شهرداری تهران	۱۶۰۳۶	۰/۶
بنیاد شهید	۵۶۳۲۸	۲/۲
جمع	۱۱۷۶۱۲۹	۴۶/۰

مأخذ: گزارش «بررسی ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی و سلامت خانوارهای زن سرپرست با تأکید بر سیاست‌ها و برنامه‌های پشتیبانی، پژوهشکده آمار، ۱۳۹۲: ۴۷.

بدین ترتیب یک میلیون و ۱۷۶ هزار خانوار زن سرپرست از مجموع ۲ میلیون و ۵۴۸ هزار ۷۲ خانوار زن سرپرست<sup>۱</sup> در سرشماری سال ۱۳۹۰ دارای منبع درآمد مشخصی نبوده و نیازمند حمایت‌های دولتی و غیردولتی هستند. به نظر می‌رسد فقدان توجه و برنامه‌ریزی جدی در راستای لزوم اشتغال زنان سرپرست خانوار و افزایش مهارت‌های شغلی آنها جهت تأمین زندگی‌شان به جای ارائه کمک‌های مالی جهت حل مشکل مقطعی آنها، از خلأهای برنامه‌های توسعه در راستای توسعه امور معیشتی زنان سرپرست خانوار است. به عبارت دیگر اگرچه در برنامه‌های توسعه به موضوع زنان سرپرست خانوار توجه شده، اما عدم برنامه‌ریزی اجرایی به‌منظور توانمندسازی آنها سبب گسترش بحران فقر در میان زنان

۱. سالنامه آماری ۱۳۹۱، مرکز آمار ایران.



سرپرست خانوار خواهد شد. توانمندسازی فرآیندی است که به وسیله آن زنان برای سازماندهی خودشان توانمند می‌شوند و اعتماد به نفس خود را افزایش می‌دهند و از حقوق خود برای انتخاب مستقل و کنترل بر منابع که منجر به از بین رفتن جایگاه فرودست ایشان می‌گردد دفاع می‌کنند.<sup>۱</sup> توانمندسازی در حقیقت حاوی سه عنصر یا مفهوم مشترک در غالب تعاریف و مفاهیم است. نخستین عنصر منابع است که شامل متغیرهایی چون آموزش و اشتغال می‌گردد. دومین عنصر عاملیت است عاملیت زنان به این موضوع اشاره دارد که زنان را نباید به عنوان دریافت‌کننده خدمات در نظر گرفت، بلکه زنان باید به عنوان بازیگران اصلی در فرآیند تغییر در نظر گرفته شوند. سومین عنصر دستاوردها و نتایج و پیامدهاست که در اثر فرآیند توانمندسازی ایجاد می‌شود. خوشنود بودن، عزت نفس داشتن، مشارکت در زندگی اجتماعی و سیاسی از جمله این موارد است.<sup>۲</sup>

---

۱. خدیجه رضایی قادی، شاخص‌های توانمندسازی زنان سرپرست خانوار، در مجموعه مقالات دومین همایش توانمندسازی و توان‌افزایی زنان سرپرست خانوار، ۱۳۸۸، ص ۱۸۱.

۲. همان، صص ۱۸۱-۱۸۲.

## ۳-۲. آموزش زنان و دختران

جدول ۹. مقایسه احکام برنامه‌های مرتبط با آموزش زنان و دختران در برنامه‌های پنج‌گانه توسعه

برنامه پنجم ۱۳۹۴-۱۳۹۰	برنامه چهارم ۱۳۸۸-۱۳۸۴	برنامه سوم ۱۳۸۳-۱۳۷۹	برنامه دوم ۱۳۷۸-۱۳۷۴	برنامه اول ۱۳۷۲-۱۳۶۸
<p>ماده (۱۹) - د) وزارت آموزش و پرورش موظف است به منظور تضمین دسترسی به فرصت‌های عادلانه آموزشی به تناسب جنسیت و نیاز مناطق به‌ویژه در مناطق کمتر توسعه‌یافته و رفع محرومیت آموزشی..... اقدام نماید.</p>	<p>ماده (۵۲) - دولت موظف است به‌منظور تضمین دسترسی به فرصت‌های برابر آموزشی..... گسترش دانش، مهارت و ارتقای بهره‌وری سرمایه‌های انسانی به‌ویژه برای دختران..... آن دسته از اقدام‌های ذیل که جنبه قانونگذاری ندارد را به انجام برساند:</p> <p>م) پیش‌بینی تسهیلات و امکانات لازم برای نوسازی، مقاوم‌سازی و استاندارد و متناسب نمودن فضاهای آموزشی، به‌ویژه مدارس دخترانه .....</p> <p>س) فراهم کردن امکانات مناسب برای رفع محرومیت آموزشی .....و نیز ایجاد و گسترش اماکن و فضاهای آموزشی، پرورشی و ورزشی به تناسب جنسیت</p>	-	<p>فصل جمعیت</p> <p>۱. افزایش سطح آگاهی‌های عمومی افراد جامعه:</p> <p>الف) تأکید بر آموزش آگاهی بانوان در مقاطع سنی بالقوه باروری، در زمینه مزیت‌های کنترل باروری.</p>	<p>تحقق این هدف‌ها (تحدید موالید)، مستلزم کوشش‌هایی از این قرار است:</p> <p>-بالا بردن سطح سواد و دانش عمومی افراد جامعه و به‌خصوص افزایش ضریب پوشش تحصیلی دختران لازم‌التعلیم.</p> <p>- اعتلای موقعیت زنان از طریق تعمیم آموزش .....</p>



همان‌طور که ملاحظه می‌شود موضوع آموزش زنان و دختران و تلاش در راستای ایجاد فرصت‌های آموزشی برای آنان یکی از محورهای برنامه‌های توسعه را تشکیل می‌دهد؛ هر چند که رویکرد یکسانی در این زمینه از سوی قانونگذار در تمامی برنامه‌ها دنبال نشده است. نگاهی به جدول فوق نشان می‌دهد در تمامی برنامه‌های یادشده موضوع آموزش دختران در مقاطع ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان مدنظر بوده، اما در خصوص آموزش عالی زنان بند مشخصی قید نشده است. بدین ترتیب توجه برنامه‌های توسعه عمدتاً بر موضوع آموزش اجباری دختران بدون توجه به لزوم فراهم آوردن زیرساخت‌های لازم بدین منظور بوده است. به‌عنوان مثال در برخی مناطق کشور فقدان مدرسه برای دختران و یا صعب‌العبور بودن مسیر مدارس مانع از آموزش دختران می‌شده است که انتظار می‌رفت در برنامه‌های توسعه مورد توجه قرار گیرد.

با وجود این در برنامه چهارم توسعه، رویکرد قانونگذار از توجه حداقلی به موضوع جنسیت در حوزه آموزش به اعمال سیاست‌های جنسیتی از طریق سیاست تبعیض مثبت برای دختران تغییر یافته است آنجا که دولت موظف شده برای ارتقای بهره‌وری سرمایه‌های انسانی به‌ویژه برای دختران، متناسب نمودن فضاهای آموزشی به‌ویژه مدارس دخترانه، گسترش اماکن و فضاهای آموزشی، پرورشی و ورزشی به تناسب جنسیت، توسعه اماکن و فضاهای ورزشی سرپوشیده (با اولویت دختران) و روبا را مورد توجه قرار دهد. بدین ترتیب در برنامه چهارم توسعه شاهد رویکرد تبعیض مثبت در فرآیند آموزش دختران هستیم. در برنامه پنجم توسعه رویکرد دولت از تبعیض مثبت به تضمین دسترسی به فرصت‌های عادلانه آموزشی به تناسب جنسیت تغییر یافته است، هر چند که منظور قانونگذار از فرصت‌های عادلانه به تناسب جنسیت چندان مشخص نیست.

بدین ترتیب هر چه در برنامه‌های توسعه پیش می‌آییم با توجه به فراگیرتر شدن آموزش در کشور و گسترش نرخ باسوادی و طرح این ایده که زنان در فرآیند آموزش به‌علت هنجارهای سنتی و همچنین فقدان زیرساخت‌های کافی از فرصت‌های برابر آموزشی برخوردار نیستند، گسترده‌تر شده و همین امر قانونگذار را به سمت ایجاد فرصت‌های عادلانه آموزشی به تناسب جنسیت سوق داده است. با این حال به نظر می‌رسد توجه به تفاوت نیازهای آموزشی به تناسب جنسیت (متون آموزشی متفاوت با توجه به جنسیت کودکان) نکته مغفول مانده در تمامی این برنامه‌هاست.

علاوه بر این در برنامه اول و دوم توسعه شاهد احکامی هستیم که در آنها ذیل سیاست‌های مرتبط با تحدید مولید، موضوع آموزش و افزایش سطح آگاهی زنان و مشارکت آنان به‌عنوان یکی از راهکارهای کاهش نرخ باروری مورد توجه قرار گرفته است.<sup>۱</sup> به‌عبارت دیگر در این برنامه‌ها، مشارکت زنان به‌ویژه

۱. شاید بتوان علت عدم ذکر این برنامه را در برنامه‌های توسعه سوم، چهارم و پنجم، موفقیت سیاست جمعیتی کاهش نرخ رشد جمعیت و همچنین تصویب قانون «تنظیم خانواده و کنترل جمعیت» در سال ۱۳۷۲ از سوی مجلس دانست. به نحوی که نرخ رشد جمعیت کشور از سال ۱۳۶۵ که معادل ۳/۹ درصد بوده است به ۱/۳ درصد در سال ۱۳۹۰ رسیده است.

افزایش آگاهی و تحصیلات زنان به‌عنوان ابزاری برای کنترل و تحدید نسل استفاده شده است. تحقیقات متعدد نشان داده بین نرخ باروری و سطح تحصیلات و نرخ اشتغال زنان رابطه مستقیم وجود دارد و در نتیجه می‌توان با تغییر در جایگاه اجتماعی و اقتصادی زنان از طریق فراهم‌سازی زمینه آموزش و اشتغال بر نرخ مولید تأثیر گذاشت. نکته حائز اهمیت آنکه اگرچه در این احکام به موضوع آموزش و افزایش سطح آگاهی زنان اشاره شده، اما هدف اصلی قانونگذار از توجه به این احکام، تأثیرگذاری بر نرخ مولید بوده و موضوع سطح تحصیلات زنان فی‌نفسه برای او دارای اهمیت نبوده است.

در جدول زیر تعداد باسوادان و نرخ باسوادی مردان و زنان در طول سال‌های اجرای برنامه (۱۳۶۵ - ۱۳۹۰) بررسی شده است.

#### جدول ۱۰. جمعیت ۶ ساله و بیشتر، تعداد باسوادان و نرخ باسوادی بر حسب جنس

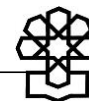
(در هزار نفر)

سال	مرد			زن		
	جمعیت	باسوادان	نرخ باسوادی	جمعیت	باسوادان	نرخ باسوادی
مهرماه ۱۳۶۵	۱۹۸۲۲	۱۴۰۷۸	۷۱٪	۱۸۸۸۷	۹۸۳۵	۵۲/۱
مهرماه ۱۳۷۰	۲۳۶۷۵	۱۹۰۹۱	۸۰/۶	۲۲۱۸۱	۱۴۸۷۵	۶۷/۱
آبان‌ماه ۱۳۷۵	۲۶۵۳۴	۲۲۴۶۵	۸۴/۷	۲۵۷۶۱	۱۹۱۱۸	۷۴/۲
آبان‌ماه ۱۳۸۵	۳۲۴۹۴	۲۸۸۳۵	۸۸/۷	۳۱۴۲۶	۲۵۲۴۷	۸۰/۳
آبان‌ماه ۱۳۹۰	۳۴۰۸۰	۳۰۱۲۶	۸۸/۴	۳۳۶۰۲	۲۷۲۳۶	۸۱/۱

مأخذ: سالنامه آماری کشور مرکز آمار ایران، سال ۱۳۹۱.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود به‌لحاظ وضعیت سواد، در سال ۱۳۹۰ از کل جمعیت زنان و مردان ۶ ساله به بالای کشور به‌ترتیب ۸۱/۱ و ۸۸/۴ درصد باسواد بوده‌اند. این در حالی است که نرخ باسوادی در سال ۱۳۶۵ برای زنان و مردان به‌ترتیب ۵۲/۱ و ۷۱ درصد بوده است. بدین ترتیب اگرچه نرخ باسوادی مردان در طول سال‌های ۱۳۶۵ - ۱۳۹۰ چندان تغییر نکرده، اما نرخ باسوادی زنان با رشد چشمگیری همراه بوده است.

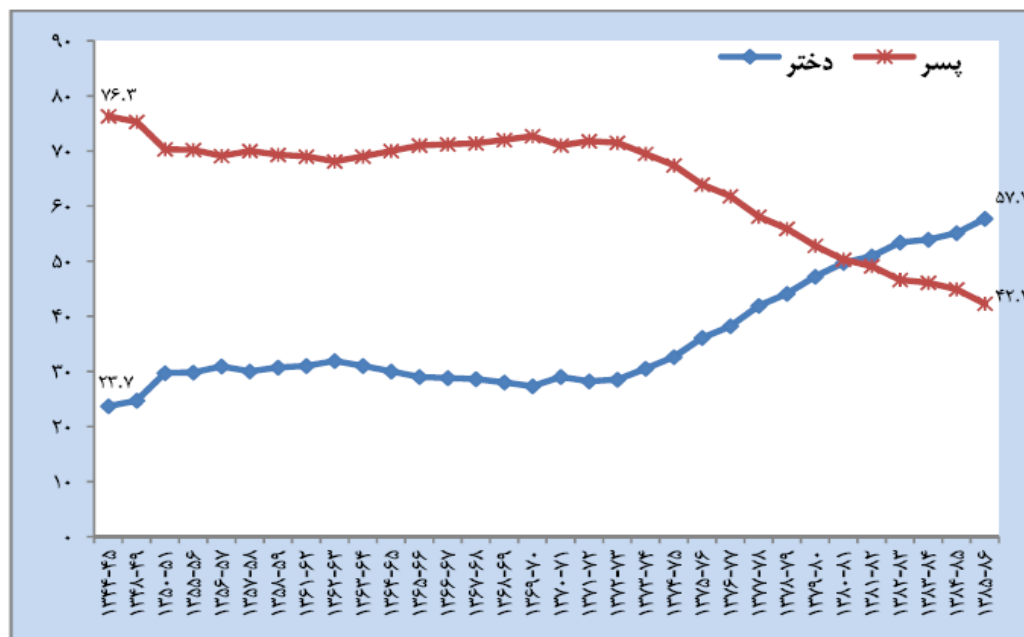
مقایسه نرخ باسوادی در بین زنان و مردان در سال ۱۳۹۰ بیانگر تفاوت بین میزان باسوادی زنان و مردان است که این تفاوت بیشتر ناشی از بی‌سوادی زنان ۶۰ سال به بالاست. در این گروه سنی تنها ۲۳ درصد زنان باسواد هستند. براساس اطلاعات مرکز آمار ایران، نسبت باسوادی زنان و مردان در سنین کمتر از ۲۵ سال به‌ترتیب برابر ۹۵/۷ و ۹۶/۱ درصد بوده و این نکته نشان می‌دهد که اولاً در بین زنان و مردان زیر ۲۵ سال بی‌سوادی در حال ریشه‌کن شدن است و نکته مهم اینکه این میزان در مورد زنان



تقریباً با مردان برابر شده است.<sup>۱</sup>

گسترش حضور زنان در آموزش عالی نیز یکی دیگر از تغییراتی است که در حوزه گسترش مشارکت زنان در فضای اجتماعی مشارکت اجتماعی زنان است. در ایران، در سال ۱۳۴۵-۱۳۴۶ دانشجویان دختر ۲۳/۷ درصد کل دانشجویان را تشکیل می‌دادند، این نسبت در قبل از انقلاب (۱۳۵۶) به ۳۱ درصد افزایش یافت. در سال ۱۳۷۰ نسبت دانشجویان دختر و پسر با هم مساوی شد و از ۱۳۸۰ به بعد حدود یک دهه است که تعداد دانشجویان دختر نسبت به پسر پیشی گرفته است. در سال ۱۳۹۱ حدود ۶۰ درصد پذیرفته‌شدگان کنکور سراسری ورود به دانشگاه را دختران تشکیل می‌دادند. هرچند همچنان حضور دختران در دوره‌های تحصیلات تکمیلی دکترا کمتر از پسران است. در جدول زیر روند نسبت دانشجویان دختر و پسر در دانشگاه‌ها مقایسه شده است:

نمودار ۲. روند نسبت دانشجویان دختر و پسر در طول سال‌های ۱۳۸۶-۱۳۴۵



مأخذ: خسروخاور و قانع‌راد، بررسی وضعیت جمعیتی و اقتصادی-اجتماعی جوانان در ایران، پژوهشکده آمار، ۲۰۱۰، ص ۲۰۱ و ص ۶۳.

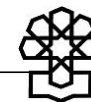
افزایش تحصیلات زنان پیامدهای متعددی در تغییر سبک زندگی آنها داشته که از جمله آن می‌توان به افزایش سن ازدواج، کاهش میزان باروری، افزایش مشارکت در فرآیندهای اجتماعی و گسترش فرصت‌های شغلی در بیرون از منزل اشاره کرد.<sup>۲</sup>

نکته حائز اهمیت آنکه اگرچه در برنامه‌های توسعه موضوع آموزش عالی زنان به‌طور خاص مورد

۱. سالنامه آماری کشور، سال ۱۳۹۱.

۲. مرضیه براری و علیرضا محسنی تبریزی، پیامدهای اجتماعی تحصیلات عالی در زنان، زن، حقوق و توسعه، سال چهارم، ش ۱، بهار و تابستان ۱۳۸۹.

توجه قرار نگرفته، اما می‌توان گفت گفتمان مشارکت اقتصادی - اجتماعی زنان در جامعه به‌طور کلی تغییراتی را در سبک زندگی زنان شکل داده است که تلاش جهت کسب سرمایه اجتماعی از طریق تحصیلات تنها یکی از شاخص‌های آن است. در چنین شرایطی به نظر می‌رسد تأکید کمی برنامه‌های توسعه بر آموزش زنان بدون توجه بر لزوم آموزش مهارت‌هایی جهت افزایش مهارت‌های زندگی صرفاً به تغییر در وضعیت زنان در جامعه منجر شده بدون آنکه کمک شایانی به موضوع تحکیم نهاد خانواده و بهبود روابط زوجین، والدین و فرزندان کرده باشد.



جدول ۱۱. مقایسه احکام برنامه‌ای مرتبط با تربیت بدنی و ورزش زنان و دختران در برنامه‌های پنج‌گانه توسعه

برنامه اول ۱۳۶۸-۱۳۷۲	برنامه دوم ۱۳۷۴-۱۳۷۸	برنامه سوم ۱۳۷۹-۱۳۸۳	برنامه چهارم ۱۳۸۴-۱۳۸۸	برنامه پنجم ۱۳۹۰-۱۳۹۴
—	تبصره «۶۵»- دولت مکلف است نسبت به ایجاد و اختصاص امکانات ورزشی برای دانش‌آموزان دختر و بانوان، با توجه به حفظ شئون زن در جامعه اسلامی اقدام نماید. ۱۲. توجه ویژه در برنامه‌ریزی‌ها و اختصاص امکانات به مسائل تربیت بدنی و پر کردن اوقات فراغت بانوان.	ماده (۱۵۸)- مرکز امور مشارکت زنان ریاست‌جمهوری موظف است...: الف) ..... نیازهای آموزشی و فرهنگی و ورزشی خاص زنان را شناسایی کرده و طرح‌های مناسب را ..... به مراجع مربوط پیشنهاد کند.	ماده (۱۱۷)- وزارتخانه‌های آموزش و پرورش، علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی موظفند ..... توسعه اماکن و فضاهای ورزشی سرپوشیده (با اولویت دختران) و روباز، ..... حسب مورد را تنظیم و پس از تصویب هیئت وزیران اجرا نمایند.	—

موضوع ورزش بانوان و اوقات فراغت آنان نیز یکی دیگر از محورهای ذیل گفتمان مشارکت اجتماعی زنان در برنامه‌های توسعه است. اگرچه تلاش مجامع بین‌المللی برای نشان دادن تصویری معکوس از جایگاه زنان در جامعه اسلامی- ایرانی و عدم رشد اجتماعی و فرهنگی آنان است، اما حضور زنان ورزشکار با حجاب اسلامی نشانه‌ای از پوچی این ادعا است. ایجاد اماکن ورزش اختصاصی برای زنان نیز با هدف گسترش این مشارکت از سوی دولت مورد توجه قرار گرفته است. امری که در برنامه‌های توسعه نیز می‌توان آن را دنبال نمود. اختصاص امکانات ورزشی برای دانش‌آموزان دختر و بانوان در برنامه دوم توسعه، توجه به نیازهای ورزشی خاص بانوان در برنامه‌های توسعه و توسعه اماکن ورزشی سرپوشیده با اولویت دختران در برنامه چهارم گویای این موضوع است. با این حال در برنامه پنجم توسعه این موضوع چندان مورد توجه نبوده است.

بررسی تعداد ورزشکاران زن در طول سال‌های اجرای برنامه نیز نشان می‌دهد این میزان هرساله با رشد قابل توجهی روبرو بوده است.

جدول ۱۲. تعداد ورزشکاران زن براساس گزارش سازمان تربیت‌بدنی

سال	تعداد ورزشکاران زن	درصد رشد
۱۳۶۵	۱۸۹۲۷۶	-
۱۳۷۵	۱۰۵۱۰۹۳	۴۵۵/۳۲
۱۳۷۶	۸۹۳۰۰۰	-۱۵/۰۴
۱۳۷۷	۹۰۳۵۸۰	۱/۱۸
۱۳۷۸	۹۷۷۴۶۵	۸/۱۸
۱۳۷۹	۱۱۱۳۵۰۰	۱۳/۹۲
۱۳۸۰	۱۱۲۵۲۳۶	۱/۰۵
۱۳۸۱	۱۱۹۹۱۲۱	۶/۵۷
۱۳۸۲	۱۲۷۳۰۰۶	۶/۱۶
۱۳۸۴	۲۵۰۲۷۱۲	۹۶/۶۰
۱۳۸۵	۳۲۴۶۸۱۰	۲۹/۷۳

مأخذ: کارنامه وضعیت زنان در جمهوری اسلامی ایران، جلد دوم، ۴۲۵.

جداول فوق همگی گویای رشد گسترده شاخص‌های مشارکت اجتماعی و اقتصادی زنان است. هرچند که در مقایسه بین مشارکت اقتصادی زنان و مشارکت اجتماعی آنها به نظر می‌رسد گفتمان مشارکت اجتماعی زنان از جایگاه قدرتمندتری برخوردار بوده و همراهی بیشتری را با خود به همراه داشته است. علت این امر را شاید باید در کمتر چالش‌زا بودن شاخص‌های مشارکت اجتماعی و عدم وجود گفتمان‌های رقیب برای آن در سطح جامعه دانست. به عبارت دیگر تعارض بین ایفای نقش خانوادگی با حضور در فضای اشتغال رسمی به علت ساختار اشتغال غیرمنعطف در ایران منجر به



بروز گفتمان‌های حداقلی و حداکثری در خصوص ضرورت اشتغال زنان شده است. علاوه بر این گسترش بیکاری در سطح جامعه نیز اولویت اشتغال مردان را به‌عنوان یک اولویت سیاستی مطرح نموده است.

### ۳. گفتمان استیفای حقوق زنان

بررسی سیاست‌های کلی برنامه توسعه نشان می‌دهد یکی دیگر از محورهای گفتمانی انقلاب اسلامی در حوزه زنان و خانواده، استیفای حقوق شرعی و قانونی زنان و حمایت از حقوق خانوادگی و اجتماعی آنهاست. توجه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران «به ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زنان و احیای حقوق مادی و معنوی او» و «ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده»<sup>۱</sup> و همچنین سیاست کلی برنامه‌های توسعه با موضوع «استیفای حقوق شرعی و قانونی زنان در همه عرصه‌ها» شاهدی بر این ادعا است. اگرچه بخشی از این حقوق شرعی و قانونی در ذیل مباحث تحکیم خانواده و مشارکت اجتماعی- اقتصادی زنان قابل پیگیری است، اما بخشی از این حقوق دربرگیرنده حقوق اجتماعی زنان از جمله فراهم کردن امنیت اجتماعی آنان و همچنین حمایت از حقوق زنان در دادگاه‌های خانواده است.

در ادامه تلاش شده شاخص‌های این گفتمان در برنامه‌های توسعه دنبال گردد:

۱. اصل بیست‌ویکم قانون اساسی.

## جدول ۱۳. مقایسه احکام برنامه‌های مرتبط با گفتمان استیفای حق زنان در برنامه‌های پنج‌گانه توسعه

برنامه اول ۱۳۶۸-۱۳۷۲	برنامه دوم ۱۳۷۴-۱۳۷۸	برنامه سوم ۱۳۷۹-۱۳۸۳	برنامه چهارم ۱۳۸۴-۱۳۸۸	برنامه پنجم ۱۳۹۰-۱۳۹۴
-	-	<p>ماده (۱۵۸) - مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری موظف است: (ج) با سازماندهی فعالیت‌های مطالعاتی مشترک با دستگاه‌های مسئول در قوه قضائیه، طرح‌های لازم برای تسهیل امور حقوقی و قضایی زنان را تهیه و برحسب مورد از طریق دستگاه‌های مسئول پیگیری کند.</p>	<p>ماده (۱۰) - د) تأمین آزادی و امنیت لازم برای رشد تشکلهای اجتماعی در زمینه صیانت از حقوق کودکان و زنان.</p> <p>ماده (۹۸) - ه) تدوین و تصویب طرح جامع توانمندسازی و حمایت از حقوق زنان، در ابعاد حقوقی، اجتماعی، اقتصادی و اجرای آن در مراجع ذیربط.</p> <p>ماده (۱۱۱) - دولت موظف است، ..... اقدام‌های ذیل را معمول دارد:</p> <p>ج) انجام اقدام‌های لازم از جمله تهیه برنامه‌های پیشگیرانه و تمهیدات قانونی و حقوقی، به‌منظور رفع خشونت علیه زنان.</p>	<p>ماده (۲۲۷) - دولت نسبت به تهیه و تدوین «سند ملی امنیت بانوان و کودکان در روابط اجتماعی» ..... اقدام قانونی به عمل آورد.</p> <p>ماده (۲۳۰) - دولت ..... با هدف تقویت نهاد خانواده و جایگاه زنان در عرصه‌های اجتماعی و استیفای حقوق شرعی و قانونی بانوان در همه زمینه‌ها با تدوین و تصویب «برنامه جامع توسعه امور زنان و خانواده» ..... اقدام قانونی نماید.</p>



همان طور که ملاحظه می‌شود تسهیل امور قضایی و حقوقی زنان (برنامه سوم) ایجاد تمهیدات قانونی و حقوقی در راستای رفع خشونت علیه زنان (برنامه چهارم) و تدوین سند امنیت بانوان و کودکان در روابط اجتماعی و استیفای حقوق شرعی و قانون زنان (برنامه پنجم) از جمله نشانه‌های تحقق این گفتمان در برنامه‌های توسعه است. براین اساس گفتمان «استیفای حقوق شرعی و قانونی زنان» در برنامه‌های توسعه عمدتاً حول دو محور تجلی یافته است:

الف) رفع خشونت از زنان و تأمین امنیت آنها،

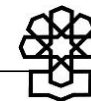
ب) تسهیل امور حقوقی زنان.

آنچه حائز اهمیت است در برنامه‌های توسعه برداشت یکسان و مشخصی از «استیفای حقوق شرعی و قانونی زنان» وجود ندارد به نحوی که حتی در برنامه پنجم توسعه این مفهوم عیناً در حکم برنامه (ماده ۲۳۰) تکرار شده است، بدون آنکه تلاش گردد اقدام و برنامه عملیاتی مشخصی برای تحقق آن ذکر شود. امری که نشان می‌دهد قانونگذار تصور روشنی از این مفهوم در ذهن ندارد.

با توجه به اینکه تلاش جهت تدوین و اصلاح قوانین حوزه زنان و خانواده را شاید بتوان شاخصی از تلاش قانونگذار در راستای اجرای این گفتمان دانست، در ادامه تلاش شده برخی از قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی طی سال‌های اجرای برنامه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

## جدول ۱۴. بررسی قوانین مصوب در طول اجرای برنامه‌های پنج‌گانه توسعه با موضوع استیفای حقوق زنان

تاریخ تصویب	قانون مصوب مجلس متناظر با صیانت از حقوق زنان	برنامه
۱۳۷۰/۸/۱۴	قانون اصلاح موادی از قانون مدنی (باقی ماندن تابعیت ایرانی برای زن ایرانی ازدواج کرده با مرد خارجی (۹۸۷)، ممنوع بودن نکاح قبل از بلوغ (۱۰۴۱)، نکاح دختر باکره با اذن جد پدری (۱۰۴۳)	برنامه اول ۱۳۷۲-۱۳۶۸
۱۳۷۰/۱۲/۲۱	قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق	
۱۳۷۱/۸/۲۷	قانون تأمین زنان و کودکان بی‌سرپرست	
۱۳۷۲/۱۲/۱	قانون اجازة الحاق جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون حقوق کودک	برنامه دوم ۱۳۷۸-۱۳۷۴
۱۳۷۵/۳/۶	کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (ماده (۶۱۹)- در خصوص تعرض یا مزاحمت برای اطفال یا زنان، ...)	
۱۳۷۶/۴/۲۹	قانون الحاق یک تبصره به ماده (۱۰۸۲) قانون مدنی در خصوص مهریه (مهریه به نرخ روز)	
۱۳۷۶/۵/۸	قانون اختصاص تعدادی از دادگاه‌های موجود به دادگاه‌های موضوع اصل بیست‌ویکم قانون اساسی (دادگاه خانواده)	
۱۳۷۶/۸/۱۱	قانون اصلاح ماده (۱۱۷۳) قانون مدنی در مورد انحطاط اخلاقی پدری و مادر و حضانت طفل	
۱۳۷۶/۸/۱۱	قانون تعیین مدت اعتبار گواهی عدم امکان سازش	
۱۳۷۷/۵/۲۵	قانون الحاق یک تبصره به ماده (۶) قانون مطبوعات	برنامه سوم ۱۳۸۳-۱۳۷۹
۱۳۷۹/۳/۱	قانون اصلاح ماده (۱۱۸۴) قانون مدنی در خصوص عدم رعایت غبطه طفل توسط ولی قهری	
۱۳۷۹/۹/۲۷	قانون الحاق ماده (۱۰۴۱) قانون مدنی موضوع ماده (۲۴) قانون اصلاح موادی از قانون مدنی ۱۳۷۰ (سن عقد ازدواج)	
۱۳۷۹/۱۱/۲۶	قانون معافیت زنان از پرداخت نیم عشر مالیات بر مهریه	
۱۳۸۰/۴/۱۹	قانون پذیرش اصلاحیه کنوانسیون حقوق کودک	
۱۳۸۰/۱۲/۸	ماده (۲۶) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت، در خصوص ضرورت ایجاد مراکز نگهداری شبانه‌روزی کودکان بی‌سرپرست و خیابانی توسط سازمان بهزیستی	
۱۳۸۳/۴/۲۸	قانون حمایت از کودکان و نوجوانان	
۱۳۸۱/۵/۶	قانون اصلاح موادی از قانون مدنی (۱۱۶۹) حضانت دختر و پسر تا ۷ سال برعهده مادر است	
۱۳۸۳/۴/۲۸	قانون مبارزه با قاچاق انسان (به‌ویژه زنان و کودکان)	
۱۳۸۴/۲/۲۷	قانون استفساریه تبصره ذیل ماده (۱۰۸۲) قانون مدنی (محاسبه مهریه به نرخ روز)	
۱۳۸۵/۱۱/۱۵	قانون حمایت از حقوق و مسئولیت‌های زنان در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی	



تاریخ تصویب	قانون مصوب مجلس متناظر با صیانت از حقوق زنان	برنامه
۱۳۸۶/۵/۹	قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک در خصوص فروش، فحشا و هرزه‌نگاری کودکان	
۱۳۸۷/۱۱/۱۶	قانون اصلاح موادی از قانون مدنی (۹۴۶) و (۹۴۸) در خصوص ارث	
۱۳۸۸/۳/۵	قانون مبارزه با جرائم رایانه‌ای	
۱۳۸۹/۵/۲۶	قانون الحاق یک تبصره به ماده (۹۴۶) قانون مدنی	
۱۳۹۲/۲/۱	قانون مجازات اسلامی	برنامه پنجم
۱۳۹۲/۱۲/۱	قانون حمایت از حقوق خانواده	۱۳۹۴-۱۳۹۰

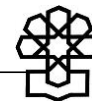
همان‌طور که ملاحظه می‌شود در طول سال‌های اجرای هریک از برنامه‌های توسعه، قوانین متعددی با هدف احیای حقوق زنان به تصویب رسیده که در آنها تلاش شده تدابیر حقوقی و قضایی خانوادگی و اجتماعی برای زنان لحاظ گردد. براساس جدول ۱۲، بیشترین تعداد قوانین به تصویب رسیده در این راستا در دوران برنامه سوم و سپس برنامه چهارم و دوم باز می‌گردد. در طول اجرای برنامه پنجم تنها دو قانون در راستای صیانت از حقوق خانوادگی و اجتماعی زنان، به تصویب رسیده است. نکته حائز اهمیت آنکه در طول سال‌های اجرای برنامه پنجم، تدوین سند امنیت بانوان و کودکان در روابط اجتماعی که براساس ماده (۲۲۷) قانون برنامه پنجم برعهده دولت نهاده شده، صورت نپذیرفته و اقدام منسجم و مشخصی در راستای تدوین این سند تاکنون به انجام نرسیده است. بخش عمده این مسئله شاید به این نکته بازگردد که در ماده (۲۲۷) هیچ یک از دستگاه‌ها به‌طور مشخص موظف به نگارش سند یاد شده نگشته است. بدین ترتیب فقدان قانونی جامع برای حمایت از زنان در فضای اجتماعی و تأمین امنیت آنها از خلأهای جدی است که علیرغم تأکید قوانین برنامه‌های توسعه مورد بی‌توجهی قرار گرفته است. علاوه بر این نگاهی به جدول فوق نشان می‌دهد بخش عمده قوانین ذکر شده به اصلاح قوانین مدنی و حقوق مرتبط با خانواده بازمی‌گردد. قضاوت درخصوص این که این تغییرات قانونی تا چه حد توانسته به استیفای حقوق زنان و همچنین تحکیم خانواده کمک نماید، دشوار و تا حدودی غیرممکن است. با این وجود آنچه مبرهن است همچنان زنان در دادگاه‌ها با چالش‌های متعددی در احیای حقوق خود روبرو هستند. به نحوی که رهبر معظم انقلاب در بیانات خود در دیدار جمعی از بانوان فرهیخته دانشگاهی و حوزوی در سال ۱۳۹۲ این موضوع را مورد توجه قرار داده و خواستار پیگیری آن شدند:

«...مسئله‌ی حمایت مالی و حقوقی از زنان محروم یا مظلوم که حالا مسئله دادگاه‌ها را که یکی از دغدغه‌های فکری من بود، آن خانم خراسان رضوی اشاره کردند که این کار در دادگستری آنجا شده؛ امیدواریم واقعاً تحقق عینی داشته باشد این کار؛ یکی از دغدغه‌ها و از نگرانی‌های بنده همین است که خانم‌ها در محیط‌های دادگاهی و محیط‌های قضائی، توانایی دفاع از خودشان را درست نداشته باشند؛ نه پول داشته باشند که بتوانند وکیل درست و حسابی بگیرند، نه خودشان بتوانند از خودشان دفاع کنند و مظلوم واقع بشوند؛ این از جمله‌ی چیزهایی است که مهم است، باید دنبال بشود»<sup>۱</sup>.

### جمع‌بندی

همان‌طور که ملاحظه شد گفتمان حفظ قداست و تحکیم نهاد خانواده، مشارکت اقتصادی - اجتماعی و استیفای حقوق زنان از محورهای اصلی گفتمان جمهوری اسلامی در حوزه زنان و خانواده است. بررسی

۱. بیانات در دیدار جمعی از بانوان فرهیخته دانشگاهی و حوزوی، ۱۳۹۲/۲/۲۱.



احکام و اسناد بالادستی نشان می‌دهد این سه گفتمان به‌طور همزمان و توأمان با هم در اسناد بالادستی مطرح شده، اما از تقدم و تأخر آنها نسبت به هم و همچنین لزوم هماهنگی آنها با یکدیگر سخنی به میان نیامده است. در این گزارش تلاش شد میزان و نحوه پرداختن به هر یک از این گفتمان‌ها در برنامه‌های توسعه به‌عنوان اسنادی که مسیر اقدامات اجرایی کشور را طی ۵ سال مشخص می‌کنند مورد بررسی قرار گیرد.

۱. آنچه در بررسی گفتمان‌های یاد شده در برنامه‌های توسعه قابل ملاحظه است آنکه اگرچه به هر سه گفتمان در برنامه‌ها توجه شده، اما هماهنگی این سه گفتمان مورد بی‌توجهی واقع شده است. به عبارت دیگر در برنامه‌های توسعه هر یک از این سه گفتمان به‌عنوان اموری مجزا از یکدیگر در نظر گرفته شده که گویی هیچ تأثیری بر یکدیگر ندارند. این در حالی است که نمی‌توان از تأثیر گسترش اشتغال و تحصیلات زنان بر نهاد خانواده و شاخص‌های ذیل آن از جمله بالا رفتن سن ازدواج زنان، تغییر در ملاک‌های همسرگزینی و ... سخن نگفت. آنچه لازم است در تدوین برنامه‌های توسعه در نظر قرار گیرد لزوم توجه به هماهنگی گفتمان‌های یاد شده و اثرات هر یک بر دیگری است.

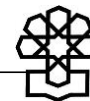
۲. نگاهی به مواد ذیل گفتمان‌های یاد شده نشان می‌دهد این مواد نیز همانند سایر حوزه‌ها با رویکرد آرمانی و غیرعملیاتی نگاشته شده است به نحوی که اهداف ارائه شده گاه آنچنان بلند و آرمانی‌اند که ضرورت داشت برای هر کدام از آنها برنامه‌ای میان‌مدت و بلندمدت جداگانه‌ای تنظیم شود. برای مثال همان‌طور که ذکر شد موضوع تحکیم خانواده در تمامی برنامه‌های توسعه مدنظر قرار گرفته، اما اینکه سیاست دولت در این خصوص باید مبتنی بر چه حوزه‌ای باشد و دولت چه اقدام عملیاتی را در این راستا باید پیگیری کند، مشخص نیست. به عبارت دیگر مشخص نیست به راستی برنامه‌نویسان چه مفهومی از تحکیم خانواده را مدنظر داشته‌اند و وقتی از آن سخن می‌گویند از چه شاخص‌هایی صحبت به میان می‌آید. امری که سبب شده نتوان از اقدام مشخص دولت در طول سال‌های اجرای برنامه در راستای تحکیم نهاد خانواده سخن گفت.

۳. فقدان توجه به آمار و اطلاعات در تعیین راهبردها و استراتژی‌ها و تعیین سیاست‌ها مبتنی بر وضع موجود جامعه از دیگر چالش‌های جدی پیش‌روی مواد مرتبط با گفتمان‌های مذکور است. برای مثال اگرچه ۶۰ درصد زنان جامعه ایران، خانه‌دار هستند در هیچ‌یک از برنامه‌های توسعه سیاست‌گذاری مشخصی در راستای زنان خانه‌دار و تکریم جایگاه آنها به‌منظور تحقق گفتمان «تحکیم نهاد خانواده» و همچنین «احیای حقوق زنان» به عمل نیامده است.

۴. بررسی‌های مواد ذیل گفتمان قداست و تحکیم خانواده نشان می‌دهد اگرچه در تمامی برنامه‌های توسعه به این موضوع پرداخته شده، اما فقدان ارائه تعریفی عملیاتی از این گفتمان سبب شده در این برنامه‌ها عمدتاً به موضوع تسهیل ازدواج جوانان پرداخته شده و اقداماتی منوط به حفظ، تداوم نهاد خانواده، بهبود روابط زوجین و والدین و فرزندان و به‌ویژه پیشگیری از طلاق لحاظ نشده است.

علاوه بر این در احکام مرتبط با تسهیل ازدواج جوانان نیز بیشتر جنبه‌های مادی ازدواج و ارائه تسهیلات برای آن - البته به شکل کاملاً حداقلی - مدنظر قرار گرفته و زیرساخت‌های لازم و همچنین ظرفیت‌های کشور جهت تحقق این هدف مورد بی‌توجهی واقع شده است. فقدان نگاهی مبتنی بر لزوم برنامه‌ریزی در راستای تغییرات فرهنگی در جامعه (از جمله کاهش قداست نهاد خانواده که خود را در شاخص‌هایی چون کاهش نرخ ازدواج، افزایش طلاق در کشور، کاهش پیوندهای خانوادگی و صلح ارحام و ...) نهایتاً سبب شده برنامه‌های توسعه نتوانند چندان در تغییر وضعیت جامعه مؤثر باشند. به نحوی که در حال حاضر یکی از مسائل چالش‌برانگیز در حوزه زنان و خانواده تضعیف نهاد خانواده در کشور است.

۵. اگرچه موضوع اشتغال زنان و فراهم نمودن مشارکت اقتصادی و اجتماعی در تمامی برنامه‌های توسعه لحاظ شده، اما فقدان رویکرد و سیاستی مشخص در این حوزه از جمله نکات قابل تأمل است. بررسی برنامه‌های توسعه نشان می‌دهد در هر یک از برنامه‌های توسعه توجه به میزان و اهمیت مشارکت اجتماعی و اقتصادی زنان متغیر بوده است. اگرچه در برنامه‌های اول و دوم توسعه توجه به مشارکت اقتصادی زنان بسیار کلی و محدود بوده با وجود این در این برنامه‌ها لزوم فراهم کردن زمینه مشارکت زنان به صورت مشروط و نه به معنای مشارکت در هر شرایط و جایگاهی، بلکه با توجه به آموزه‌های اسلامی منوط به حفظ شأن زن و جایگاه او در خانواده بوده است. در برنامه سوم توسعه رویکرد دولت به لزوم افزایش فرصت‌های شغلی پیش‌روی زنان (تبعیض مثبت) تغییر یافته است. در برنامه چهارم توسعه نیز، شاهد موادی هستیم که در آن لزوم مشارکت حداکثری اقتصادی زنان از طریق تساوی مزدها، رفع تبعیض، برابری در ترکیب جنسیتی فضای کار از طریق اعمال سیاست تبعیض مثبت برای تمامی زنان مدنظر قرار گرفته است. در برنامه پنجم توسعه نیز اگرچه موضوع مشارکت اقتصادی و اجتماعی زنان مدنظر قرار گرفته، اما اولویت اشتغال به زنان سرپرست خانوار و توسعه مشاغل خانگی اعطا شده است. امری که نشان می‌دهد اگرچه موضوع اشتغال و مشارکت اقتصادی زنان امری پذیرفته شده در سیاست‌ها و اسناد بالادستی بوده با این حال به دلیل فقدان نظریه و سیاست عملیاتی مشخصی در خصوص کمیّت و کیفیت این موضوع و نحوه سازوکار نمودن آن با وظایف همسری و تربیت فرزند، همچنان دولت‌ها در این خصوص سلیقه‌ای عمل کرده و هر دولت بنا بر تعریف و رویکرد خود از موضوع مشارکت اقتصادی زنان، آن را در طیفی از مشارکت حداقلی یا حداکثری قرار می‌دهد. به نحوی که در یک برنامه شاهد خواستار حذف تمامی تبعیض‌ها و تفاوت‌ها در فضای اشتغال زنان و مردان هستیم (رویکرد حداکثری) و در برنامه دیگر این موضوع از یک‌سو عمدتاً منوط به مشاغل خانگی به جای ترویج اشتغال خارج از منزل شده و از سوی دیگر اشتغال تمامی زنان به‌عنوان سیاست رسمی قرار نگرفته و بر اولویت زنان سرپرست خانوار تأکید ورزیده شده است.



واقعیت این است که با توجه به اهمیت و اولویت نهاد خانواده در نظام عرفی و تقنینی جمهوری اسلامی ایران، جهت ورود زنان به عرصه مشارکت اجتماعی و اقتصادی، نیازمند آن هستیم که سیاست‌های تشویقی و تسهیل‌گر اشتغال زنان آسیبی بر نهاد خانواده وارد نماید. علاوه بر این نیازمند نظام حمایتی پیچیده‌ای هستیم که ضمن کاهش فشار مضاعف اشتغال رسمی و انجام کارهای منزل و همسراری در کنار آن، در بلندمدت سبب حذف زنان از بازار کار نگردد. برای مثال اگرچه دولت برای حمایت از نهاد خانواده اقدام به افزایش ۹ ماهه مرخصی زایمان زنان شاغل نموده، اما فقدان توجه به زیرساخت‌های اشتغال در ایران و لزوم طراحی مکانیسم‌هایی برای افزایش ضمانت اجرای قانون، سبب اخراج ۴۷ هزار زن از ۱۴۵ هزار زنی شد که طی یک بازه زمانی ۱۸ ماهه از مرخصی زایمان استفاده کرده‌اند.<sup>۱</sup> بدین ترتیب پیش‌شرط تحقق گفتمان مشارکت زنان طراحی الگوی مشارکت زنان با توجه به شرایط عرفی، اجتماعی و مذهبی جمهوری اسلامی ایران است.

رهبر معظم انقلاب نیز در بیانات خود در جمع زنان فرهیخته و حوزوی بر لزوم طراحی الگوی مشارکت زنان تأکید داشته‌اند:

«..... مردواره کردن زن؛ یعنی به دنبال این بودند که مشاغل گوناگونی که با ساخت جسمی و عصبی و فکری مرد سازگارتر است را بکشانند به سمت بانوان و زنان، و این را یک افتخار برای زن و یک امتیاز برای زن قرار بدهند. ما در مقابل این دچار انفعال شدیم، یعنی دور خوردیم؛ ما هم نادانسته، ناخواسته، این گفتمان را قبول کردیم. می‌بینید ما الان افتخار می‌کنیم که فلان تعداد زن، در فلان بخش‌های اجرایی کشور داریم. اشتباه نشود، از اینکه این بانوان در این مناصب اجرایی باشند من هیچ مشکلی ندارم؛ یعنی منع نمی‌کنم، نفی نمی‌کنم، ایرادی هم برایش قائل نیستم - فرض کنید وزیر بهداشت ما یک خانم بود، یا معاونین رئیس‌جمهور مثلاً یا بخش‌های مختلف در بینشان بانوان هستند، این از نظر من اشکالی ندارد - آنچه اشکال دارد، افتخار به این است؛ که ما به رخ دنیا بکشیم که ببینید، ما در بخش‌های اجرایی اینقدر زن داریم! این همان دور خوردن است، این همان منفعل شدن است؛ این افتخاری ندارد. .... اگر ما افتخار کنیم که این تعداد خانم روشنفکر، خانم تحصیلکرده داریم، این خوب است، این جا دارد؛ اگر بگوییم این مقدار خانم نویسنده، خانم فعال فرهنگی یا فعال سیاسی داریم، اشکالی ندارد؛ اگر بگوییم این مقدار خانم شهادت‌طلب و مجاهده‌کار در میدان‌های گوناگون داریم، این خوب است؛ اگر بگوییم این مقدار خانمی که در عرصه‌های سیاسی انقلابی فعالیت دارند - گوینده‌اند، نویسنده‌اند - داریم، این خوب است؛ افتخار به اینها خوب است؛ اما افتخار به اینکه ما این تعداد وزیر زن، این تعداد نماینده زن، این تعداد معاون بخش‌های مختلف زن، این تعداد رئیس مؤسسات تجاری زن داریم، افتخار به این غلط است؛ این انفعال در مقابل آنها است. مگر بنا بوده ما کارهای مردانه را به زن‌ها بدهیم؟

نه، جایگاه زن و هویت و شخصیت زن، در جنس خود زن یک هویت بسیار بالا و با کرامتی است، .... پس این نگاه درست است که ما زن را در جنسیت خودش - همان جور که هست، زن واقعی، مؤنث واقعی - بشناسیم، و ببینیم چه ارزش‌هایی می‌تواند این فرد متعلق به این جنس را یا این جامعه‌ی این جنسیت را رشد بدهد و تعالی ببخشد؛ این نگاه، نگاه درست است. ما نباید در مقابل نگاه غرب دچار این انفعال می‌شدیم که متأسفانه شدیم. .... مسئله‌ی اشتغال زنان، حدود اشتغال، چه اشتغالی، چه جور کاری، به چه نحوی - همان انعطافی که ما گفتیم در زمینه‌ی مسائل اشتغال - اینها همه کارهایی است که باید انجام بگیرد»<sup>۱</sup>.

علاوه بر این مقایسه بین شاخص‌های تحقق مشارکت اقتصادی زنان و مشارکت اجتماعی نشان از جایگاه قدرتمندتر گفتمان مشارکت اجتماعی زنان دارد. علت این امر را شاید باید در کمتر چالش‌زا بودن شاخص‌های مشارکت اجتماعی و عدم وجود گفتمان‌های رقیب برای آن در سطح جامعه دانست. به عبارت دیگر تعارض بین ایفای نقش خانوادگی با حضور در فضای اشتغال رسمی به علت ساختار اشتغال غیرمنعطف در ایران و همچنین گسترش بیکاری در سطح جامعه، منجر به بروز گفتمان‌های حداقلی و حداکثری در خصوص ضرورت اشتغال زنان شده که این امر در خصوص مشارکت اجتماعی زنان صادق نیست.

۶. در عمده مواد یاد شده جهت اجرایی‌سازی گفتمان‌ها، از عبارت کلی «دولت» استفاده شده و نهادها و دستگاه‌های فعال در حوزه زنان و خانواده به‌طور مشخص مکلف به اجرای برنامه‌های اجرایی نگشته‌اند. برای مثال در ماده (۲۳۰) برنامه پنجم توسعه، «دولت باید با همکاری سازمان‌ها و دستگاه‌های ذیربط از جمله مرکز امور زنان و خانواده ..... جهت تدوین و تصویب «برنامه جامع توسعه امور زنان و خانواده» اقدام قانونی نماید»، ماده (۲۲۷) برنامه پنجم توسعه نیز با موضوع مکلف کردن دولت نسبت به تهیه و تدوین «سند ملی امنیت بانوان و کودکان در روابط اجتماعی» با مشارکت و برنامه‌ریزی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، قوه قضائیه، سازمان بهزیستی کشور، شهرداری، وزارت کشور، شورای عالی استان‌ها، مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری، وزارتخانه‌های بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و کار و امور اجتماعی توسط دولت در طول سال‌های برنامه و ماده (۱۰۶) برنامه چهارم توسعه که در آن دولت مکلف شده به منظور تعمیق ارزش‌ها، باورها، فرهنگ معنویت و نیز حفظ هویت اسلامی - ایرانی، اعتلای معرفت دینی و توسعه فرهنگ قرآنی به تقویت نهاد خانواده بپردازد و .... شاهدهی بر این ادعا هستند. عدم مشخص کردن نهاد متولی در کنار مشخص نشدن شیوه همکاری دستگاه‌ها به جای تصریح وظیفه و تکلیف خاص برای دستگاه‌های متولی سبب شده بسیاری از این مواد اجرایی نگشته و دستگاه‌ها

۱. بیانات در جمع بانوان حوزوی و دانشگاهی، ۱۳۹۲/۲/۲۱، <http://farsi.khamenei.ir>



خود را موظف به اجرایی‌سازی آن ندانند؛ علاوه بر این امکان نظارت بر عملکرد مواد یاد شده نیز به‌علت فقدان تکلیف برای دستگاه مشخص محدود شده است.

۷. بررسی احکام زیرمجموعه هریک از گفتمان نشان می‌دهد که در این برنامه‌ها دولت مکلف به تدوین و تصویب برنامه‌ها و اسنادی جامع در حوزه زنان و خانواده شده که بخش اعظم آنها حتی به مرحله تدوین نیز نرسیده است: برنامه ساماندهی امور جوانان (برنامه چهارم)، برنامه جامع توسعه امور زنان و خانواده (برنامه پنجم)، برنامه جامع توسعه مشارکت زنان (برنامه سوم توسعه)، طرح جامع توانمندسازی زنان خودسرپرست (برنامه چهارم)، تصویب طرح جامع توانمندسازی و حمایت از حقوق زنان (برنامه چهارم توسعه)، تهیه لایحه حمایت از ایجاد گسترش سازمان‌های غیردولتی و نهادهای مدنی و تشکل‌های زنان (برنامه چهارم) سند ملی امنیت بانوان و کودکان در روابط اجتماعی (برنامه پنجم توسعه)، برنامه ملی کار شایسته (برنامه چهارم توسعه) همگی نمونه‌هایی از تکلیف دولت به نگارش اسناد جامع در این حوزه هستند که بخش اعظم آنها به‌علت محدود بودن برنامه توسعه به دوره زمانی پنج‌ساله و مکلف شدن دولت به نگارش ده‌ها سند جامع دیگر در حوزه‌های مختلف که منجر تراکم غیرمنطقی اسناد و طرح‌های جامع می‌گردد، نگاشته نشده است. علاوه بر این عدم نگارش اسناد یاد شده به نوعی نشان‌دهنده عدم عزم نهادها در توجه به مسائل و مشکلات جامعه زنان است.

بدین ترتیب با توجه به نکات و چالش‌های ذکر شده در برنامه‌های پیشین، انتظار می‌رود احکام برنامه ششم توسعه در حوزه زنان و خانواده با توجه به موارد زیر تنظیم گردد:

- محوریت و اولویت گفتمان تحکیم خانواده و ارائه تعریفی عملیاتی از آن که علاوه بر تسهیل ازدواج جوانان تقویت نظام‌های مشاوره و پیشگیری از طلاق را نیز در برگیرد.
- طراحی الگوی فعالیت اقتصادی زنان با توجه به اقتضات زنانه و مسئولیت‌های دوگانه زنان.
- برنامه‌ریزی ویژه برای زنان خانه‌دار و تکریم موقعیت نقشی آنان.
- برنامه‌ریزی در راستای توانمندسازی زنان سرپرست خانوار و ایجاد فرصت اشتغال برای آنها.
- تقویت مطالعات و تحقیقات در خصوص شناسایی واقعی مسائل پیش روی خانواده ایرانی.
- تقویت مطالعات و تحقیقات در خصوص شناسایی واقعی مسائل پیش روی زنان در جامعه ایران.
- راه‌اندازی بانک‌های اطلاعاتی منسجم در خصوص وضعیت زنان و خانواده در حوزه‌های مختلف.
- لزوم طراحی شاخص‌های قوام‌دهنده هر یک از گفتمان‌های مطرح شده در حوزه زنان و خانواده و برنامه‌ریزی متناظر با آن.

## منابع و مأخذ

۱. براری، مرضیه و علیرضا محسنی تبریزی. پیامدهای اجتماعی تحصیلات عالی زنان در نشریه زن، حقوق و توسعه، سال چهارم، ش ۱، بهار و تابستان ۱۳۸۹.
  ۲. بورقانی فراهانی، سهیلا. «نقش زنان در مدیریت خانواده در مجموعه‌های تلویزیون براساس اهداف سند چشم‌انداز توسعه جمهوری اسلامی ایران، مطالعه موردی زنان سرپرست خانوار» در مجموعه مقالات دومین همایش توانمندسازی و توان‌افزایی زنان سرپرست خانوار، اداره کل امور بانوان شهرداری تهران، ۱۳۸۸.
  ۳. رضایی قادری، خدیجه. شاخص‌های توانمندسازی زنان سرپرست خانوار در مجموعه مقالات دومین همایش توانمندسازی و توان‌افزایی زنان سرپرست خانوار، اداره کل امور بانوان شهرداری تهران، ۱۳۸۸.
  ۴. شیرزادی، رضا و سپیده سوزنی شیروان. ملاحظات جنسیتی در برنامه‌های پنج‌گانه توسعه ایران، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال هشتم، ش ۲۱، ۱۳۹۱.
  ۵. صادقی فسایی، سهیلا؛ سمیه مقدم. مسئله‌شناسی زنان بنا بر روایت زنان (مطالعه کیفی)، فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی، سال سیزدهم، شماره ۴۹.
  ۶. عباسی شوازی، محمدجلال. گزارش بررسی جمعیتی و اقتصادی - اجتماعی جوانان در ایران، پژوهشکده آمار، ۱۳۹۲.
  ۷. نیک‌خواه قمصری، نرگس و سهیلا صادقی فسایی. زنان فراتر از نقش سنتی، بررسی جایگاه زن در کلام امام خمینی (ره)، نشریه زن در فرهنگ و هنر، دوره چهارم، ش ۲، تابستان ۱۳۹۱.
  ۸. کرمی قهی، محمدتقی. تحلیل گفتمان سه برنامه توسعه با رویکردهایی به مسائل زنان و خانواده، برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ش ۱۳، ۱۳۹۱.
  ۹. کلانتر، عبدالحسین و پیام. روشن‌فکر. جلوه واهری، مرور سه دهه تحقیقات در علل طلاق در ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، سال چهارم، ش ۵۳، پاییز ۱۳۹۰.
  ۱۰. گزارش «بررسی ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی و سلامت خانوارهای زن سرپرست با تأکید بر سیاست‌ها و برنامه‌های پشتیبانی، پژوهشکده آمار، ۱۳۹۲.
  ۱۱. ثبت احوال جمهوری اسلامی ایران.
  ۱۲. مرکز آمار ایران.
  ۱۳. زعفرانچی، لیلا. زن و خانواده در چهار برنامه توسعه، پورتال جامع علوم انسانی [www.ensani.ir](http://www.ensani.ir)
  ۱۴. کارنامه وضعیت زنان در جمهوری اسلامی ایران، معاونت امور زنان و خانواده، نهاد ریاست جمهوری.
15. <http://farsi.khamenei.ir/>
16. Jorgesen, M and Phillips (2002), Discourse analysis, London: Sage Puplications.



مرکز پژوهش‌ها  
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۴۴۹۵

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: بررسی تجلی گفتمان‌های زن و خانواده در برنامه‌های پنج‌گانه توسعه

نام دفتر: مطالعات فرهنگی (گروه زنان و خانواده)

تهیه و تدوین: آسیه ارحامی

مدیر مطالعه: سینا کلهر

ناظر علمی: ایروان مسعودی‌اصل

متقاضی: معاونت پژوهش‌های اجتماعی - فرهنگی

ویراستار تخصصی: \_\_\_\_\_

ویراستار ادبی: \_\_\_\_\_

واژه‌های کلیدی:

۱. برنامه‌های توسعه
۲. گفتمان انقلاب اسلامی
۳. زنان و خانواده
۴. تحکیم خانواده
۵. مشارکت اجتماعی - اقتصادی زنان



تاریخ انتشار: ۱۳۹۴/۷/۲۷